

دو عنوان درباره موضوع بحث ممکن است مطرح شود: یکی شهادت طلبی و دیگری عملیات استشهادی. مسأله شهادت طلبی با عملیات استشهادی تفاوت دارد؛ زیرا شهادت طلبی سابقه جدی از صدر اسلام دارد. آیات قرآن و روایات رسیده از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام این مسأله را با تمام ویژگی هایش به طور گسترده ای مطرح کرده اند. قرآن کریم انسان را دعوت به جهاد و مبارزه در راه خدا نموده تا به استقبال شهادت برود: (وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا)؛ [۱] و آن کس که در راه خدا پیکار کند و کشته شود یا پیروز گردد پاداش بزرگی به او خواهیم داد. در آیه دیگری می فرماید: (وَلَكِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مِتُّمْ لَمَعْرَةَ مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةً خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ)؛ [۲] اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید، آمرزش و رحمت الهی آنصیب شما می گردد که [از تمام آنچه آنها [در طول عمر خود] جمع آوری می کنند، بهتر است. در آموزه های دینی سفارش های زیادی به ارزش شهید و شهادت شده است؛ از جمله این که هیچ قطره ای برتر از قطره خون شهید نیست. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «ما من قطرة أحب إلى الله من قطرة دم في سبيل الله»؛ [۳] هیچ قطره های نزد خدا محبوب تر از قطره خونی که در راه خدا ریخته می شود، نیست. در روایت دیگر حضرت فرمود: «فوق كل ذي برٍّ برٌّ حتى يقتل الرجل في سبيل الله فاذا قتل في سبيل الله فليس فوقه برٌّ»؛ [۴] بالاتر از هر نیکوکاری، نیکوکاری دیگری است تا آن که شخصی در راه خدا شهید می شود؛ وقتی که در راه خدا شهید شد، برتر از او نیکوکاری وجود ندارد. به همین جهت شهید در قیامت شفاعت می کند و یکی از شفاعت کنندگان در روز قیامت، شهدا هستند. در روایتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «در روز قیامت، پیامبران، سپس علما و سپس شهدا شفاعت می کنند»؛ [۵] قرآن کریم نیز شهیدان را زندگان جاوید معرفی نموده، این گونه می فرماید: (وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحياءٌ عند ربهم يُرزقون)؛ [۶] هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند مردگانند، بلکه آنان زنده اند و نزد پروردگارشان روزی می خورند. در هر حال، در این که شهادت طلبی خوب است، مورد تردید نیست. دعای همیشگی انسان های مؤمن این است که: «اللهم ارزقنا الشهادة في سبيلك»؛ خدایا شهادت در راه خودت را روزی ما بفرما. در دعاها ماه مبارک رمضان نیز می خوانیم: «وقتلًا في سبيلك فوق لنا»؛ خدایا توفیق شهادت در راه خودت را به ما عنایت بفرما. ما نیز دعا می کنیم که خداوند مرگ ما را شهادت در راه خودش قرار دهد. حماسه عاشورا و انقلاب اسلامی ایران نیز ملهم از این ایدئولوژی شهادت طلبی است و به طور مسلم این موضوع می تواند از مصادیق والای جهاد باشد. امام خمینی رحمه الله نیز مطالب فراوانی در این زمینه دارد که به برخی از آنها اشارت می رود: ما امروز به انتظار شهادت نشسته ایم تا فردا فرزندانمان در مقابل کفر جهانی با سرافرازی بایستند. [۷] خط سرخ شهادت، خط آل محمد و علی است و این افتخار از خاندان نبوت و ولایت به ذریه طیبه آن بزرگواران و به پیروان خط آنان به ارث رسیده است، درود خداوند و سلام امت اسلامی بر این خط سرخ شهادت و رحمت بی پایان حق تعالی بر شهیدان این خط در طول تاریخ. [۸] من امیدوارم به فوز «الحدى الحسنين» نایل شوم؛ یا پیشرفت مقصود و اقامه عدل و حق یا شهادت در راه آن که راه حق است. [۹] اما «عملیات استشهادی» بدین معنا که شخصی با انگیزه دفاع از کیان اسلام و ملت خود، به قلب دشمن حمله کند و ضمن کشتن خود موجب کشته شدن دشمن شود، در سیره مسلمانان و زمان های گذشته سابقه نداشته و به همین علت در کتاب های فقهی و تفسیری گذشته کمتر مورد توجه قرار گرفته است. چنین عملیاتی که در عصر حاضر اتفاق می افتد، به اقدامی گویند که شخص با قصد قربت و با علم به شهادت و با هدف ضربه زدن به دشمن به انجام آن مبادرت میورزد و در این راه کشته می شود. [۱۰] برخی از دانشمندان معاصر نیز در توضیح چنین عملیاتی می نویسند: کسی که در طلب شهادت باشد و نیت خالص داشته، و به دشمن اقدام به حمله نماید و این اقدام برای مسلمانان سود داشته و جان خود را نیز برای سربلندی و عزت دین خدا و سست نمودن کفر فدا نماید، این مقام ارزشمندی است که مشمول آیه شریفه (وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ) [۱۱] می باشد. [۱۲] با توجه به تعریف های فوق می توان ویژگی های زیر را برای چنین عملیاتی بیان کرد: ۱. شخص دارای نیت خالص برای خدا و منفعت رساندن به مسلمانان و سست نمودن کفر و کفار است. ۲. فرد با هدف دفع تهاجم مستقیم یا غیرمستقیم دشمن و ضربه زدن مؤثر به او کار خود را انجام می دهد. ۳. در اثر این حمله قطعاً یا قریب به یقین کشته می شود. ۴. عده ای از افراد دشمن کشته می شوند و به امکانات اقتصادی و سیاسی دشمن ضربه جدی وارد می شود. ۵. شخص راه دیگر یا ابزار دیگری برای ضربه زدن به دشمن جز این شیوه ندارد. ۶. زمینه عملیات استشهادی را خود دشمنان متجاوز فراهم کرده باشند؛ بدین معنا که ابتدایی نیست و ماهیت آن دفاع در برابر تهاجم دشمن و ضربه زدن متقابل به او است. با فرضیات فوق چنین عملیاتی ماهیت دفاعی داشته و فتاوی عده ای از مراجع تقلید نیز - که در آخر این مقاله ارائه خواهد شد - چنین عملیاتی را دفاع دانسته و آن را مشمول دلائل مربوط به جهاد و دفاع می داند. همچنین عده زیادی از فقهای اهل سنت، عملیات استشهادی را از مصادیق جهاد و دفاع دانسته و شخصی را که جان خود را در این راه فدا می کند، شهید دانسته اند [۱۳] و مشمول

دلایل دفاع نیز خواهد بود. در این جا به این دلایل اشاره می نماییم: دلایل دفاع الف. دلایل قرآنی دفاع مسأله دفاع از احکام خلل ناپذیر عقلی و فطری است؛ زیرا روشن است که عقل هر انسانی حکم می کند به این که اگر تهاجم به شخصی یا جامعه ای صورت گرفت و حیات انسان مورد تهدید واقع شد، باید با تمام توانایی از خود دفاع نموده و تهاجم را از بین ببرد و ضرورت آن نیاز به دلیل شرعی ندارد، [۱۴] اما با این حال آیات فراوانی به وجوب دفاع تصریح دارد. در این جا به مهم ترین آیاتی که ضرورت دفاع را تأیید می کند اشارت می رود: ۱. آیه اذن: نخستین آیه ای که فرمان جهاد را صادر نمود، در حالی بود که مسلمانان به مدینه مهاجرت کرده بودند. آنان به مدت سیزده سال در مکه سختی ها و زجرهای زیادی از طرف مشرکان کشیدند و منتظر فرمان جهاد از طرف خداوند بودند. به همین جهت خداوند متعال فرمان جنگ و دفاع را صادر نمود: (أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأْتِهِمْ ظُلْمًا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ)؛ [۱۵] به کسانی که

جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته اند و خدا بر یاری آنها توانا است. طبق این آیه، اگر کسی مورد ستم واقع شد و جنگی بر علیه او به پا شد، حق دارد با مهاجم مبارزه کند و از خود دفاع نماید. [۱۶] همچنین خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: ۲. (وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ)؛ [۱۷] و در راه خدا با کسانی که با شما می جنگند، نبرد کنید و از حد تجاوز نکنید که خدا تعدی کنندگان را دوست نمی دارد. این آیه یکی از آیات دال بر وجوب دفاع در مقابل کسانی است که به پیکار با مسلمانان می پردازند. [۱۸] در این آیه دستور مبارزه با کسانی داده شده که شمشیر روی مسلمانان می کشند و نیز اجازه داده است که مسلمانان برای خاموش ساختن دشمنان دست به اسلحه ببرند و با شجاعت تمام به دفاع از خود و حقوق خویش بپردازند. [۱۹] مسلمانان نمی توانند مشاهده کنند تا کفار و مشرکان که شمشیرهایشان در راه هوای نفس و شهوتها و ظلمات به کار می برند [۲۰] به آنان تجاوز کنند و ساکت بنشینند. نکته های قابل توجه در آیه اینک: ۱. دفاع باید با انگیزه الهی و در راه خدا باشد. (فی سبیل الله)؛ ۲. از حد و حدود دفاع تجاوز نشود. (ولا تعتدوا) جمله (الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ) نیز صراحت دارد که این دستور مخصوص مقابله با کسانی است که به دیگران تجاوز کرده و دست به اسلحه و جنگ می برند، اما تا زمانی که دشمن به مقابله و مبارزه برنخاسته، مسلمانان نباید حمله کنند و تنها باید با کسانی مبارزه کرد که به مبارزه با مسلمانان بر می خیزند، به همین جهت غیرنظامیان، مانند کودکان و زنان نباید مورد تهاجم قرار گیرند؛ زیرا آنها به مقاتله برنخاسته اند. [۲۱] ۳. در آیه دیگری از قرآن مجید چنین آمده است: (وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِن قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ)؛ [۲۲] و با آنها (کفار) نزد مسجدالحرام (در منطقه حرم) جنگ نکنید، مگر این که در آن جا با شما بجنگند پس اگر در آنجا با شما پیکار کردند آنها را به قتل برسانید؛ چنین است جزای کافران. آیه اگرچه مربوط به احترام و حرمت مسجدالحرام است که جنگ و پیکار در حرم امن الهی جایز نیست، اما در صورت وقوع جنگ و تجاوز، دفاع در مقابل آن اگرچه در حرم امن الهی باشد، از نظر اسلام جایز است. ۴. یکی دیگر از دلایل قرآنی دفاع مشروع عبارت است از: (فَمَنْ عَتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا عَتَدَىٰ عَلَيْكُمْ)؛ [۲۳] هر کس به شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تعدی کنید. پاسخ تجاوز، مقابله به مثل است، این آیه شریفه شامل هر گونه تجاوز و تعدی می شود که اگر کسی به مسلمانان تجاوز نمود، باید با او مقابله به مثل نمود. طبق این آیه شریفه هر کس با سلاحهای آتشین، توپ و گازهای سمی به جنگ با مسلمانان برخیزد، باید با او مقابله به مثل شود تا این که ظالم و متجاوز از ستم و دشمنی و فتنه و بی عدالتی و آزار و اذیت دست بردارد. ب. دلایل روایی در روایات فراوانی نیز به دفاع در برابر جان، مال، خانواده و دفاع در برابر ستمگران اشاره شده است که به برخی از مهمترین آنها اشارت می رود: ۱. در روایتی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که می فرماید: «من قُتِلَ دُونَ مَظْلَمَةٍ فَهُوَ شَهِيدٌ»؛ [۲۴] اگر کسی در برابر ظلم و ستم کشته شود، شهید است. ۲. همچنین در روایت دیگری می فرماید: «من قُتِلَ دُونَ عِيَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ»؛ [۲۵] کسی که در دفاع از خانواده خود کشته شود، شهید است. ۳. در روایت دیگری نیز می فرماید: «من قُتِلَ دُونَ دَمِهِ وَمَنْ قُتِلَ دُونَ دِينِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ»؛ [۲۶] کسی که در دفاع از جان و دین خود کشته شود، شهید است. دیدگاه فقهای اسلامی در وجوب دفاع اختلافی ندارند و همه آنها اتفاق نظر دارند که اگر اساس اسلام در معرض خطر باشد، کفار و مشرکان به مملکت اسلامی یا مسلمانان هجوم برده باشند و با مسلمانی در میان دشمنان محاصره شده باشد، دفاع واجب است که در این جا دیدگاه برخی از فقها آورده می شود. تنها تفاوت در میان شیعه و اهل سنت این است که مشهور نزد شیعه این است که جهاد را به دو قسم می داند، جهاد ابتدایی که در زمان امام معصوم علیه السلام انجام می شود و جهاد دفاعی که نیاز به اذن معصوم ندارد، اما اهل سنت این تقسیم را ندارند، بلکه جهاد را واجب دانسته اند که شامل دفاع نیز می شود. صاحب جواهر جهاد دفاعی را در صورتی واجب می داند که: ۱. مسلمانان مورد هجوم کفار قرار بگیرند؛ ۲. این هجوم اساس اسلام را تهدید کند یا این که اراده استیلا بر بلاد مسلمانان داشته باشند؛ ۳. استیلا بر مسلمانان، اسارت، آوارگی و اخذ اموال مسلمانان را در پی داشته باشد. در این صورت بر همه مسلمانان اعم از زن و مرد، سالم و

بیمار، به هر نحو ممکن دفاع واجب است و نیاز به اذن امام معصوم علیه السلام ندارد. [۲۸] محقق حلی می فرماید: «جنگ، به عنوان دفاع، گاهی واجب می شود؛ مانند وقتی که انسان در میان دشمن باشد و از جان خود بیم داشته باشد، دفاع از نفس واجب است و نیز دفاع از مال در صورتی که جانش در سلامت باشد واجب است» [۲۹]. امام خمینی رحمه الله دفاع را بر دو قسم می داند: دفاع از اساس اسلام و دفاع از مسلمانان (هر دو قسم را واجب می دانند) و می فرماید: اگر دشمنی که از او بر اساس اسلام و اجتماع مسلمین ترس باشد، بلاد مسلمین و یا مرزهای آن را مورد هجوم قرار دهد، بر مسلمانان واجب است که از آن به هر وسیله ای که ممکن است با بذل مال و جان، دفاع نمایند. این دفاع، مشروط به حضور امام علیه السلام و اذن او و اذن نایب خاص یا عام او نیست، پس بر هر مکلفی بدون هیچ قید و شرطی واجب است به هر وسیله ای که باشد، دفاع نماید. [۳۰] ایشان حتی می فرماید: در جنگ دفاعی هر موقع که دفاع واجب باشد، باید بر آن اقدام کرد؛ اگرچه در ماه حرام باشد. [۳۱] همچنین در جای دیگر درباره حکم جهاد و دفاع برای زنان می فرماید: جهاد بر زنها واجب نیست، ولی گذشت که دفاع بر هر شخصی در حدود توانائی و امکانات واجب است. [۳۲] شیخ طوسی در النهایه می نویسد: جهاد دفاعی در صورت تهاجم دشمن به مسلمانان و ترس آن که اساس اسلام مورد تهاجم قرار گیرد و آسیب ببیند، واجب است و نیاز به اذن معصوم علیه السلام نیست. [۳۳] همچنین محقق حلی در مختصر النافع می فرماید: «یکی از موارد وجوب جهاد که نیاز به اذن امام عادل ندارد، این است که مسلمانان مورد هجوم واقع شوند و اساس اسلام در معرض نابودی قرار گیرد یا این که بین قومی باشد که دشمن آنان را احاطه کرده و قصد دفاع از جان داشته باشد». [۳۴] برخی دیگر از فقها ضمن تأکید بر برخی از مطالب فوق، دفاع را بر هر توانمندی حتی بردگان و زنان و به هر وسیله ممکن واجب دانسته اند و برخی تأکید کرده اند حتی کسانی که در مناطق دوردست هستند در صورت نیاز به مهاجرت، واجب است

مهاجرت کنند تا برای دفاع در لشکر مسلمانان شرکت کنند. علامه حلی می نویسد: «وقتی که کفار، دارالاسلام (مملکت اسلامی) را مورد تهاجم قرار داد، بر هر انسان توانمند واجب است با آنها بجنگد حتی بردگان، زنان و...». [۳۵] ابوالصلاح حلبی نیز جهاد و دفاع از ممالک اسلامی از دست خیانت های کفار و محاربان واجب می داند و بر هر مسلمانی، حتی کسانی که در مناطق دوردست زندگی می کنند، در صورت نیاز به آنان، واجب است مهاجرت کنند و در دفاع و لشکر مسلمانان شرکت نمایند. [۳۶] شهید ثانی در دروس می نویسد: «از نظر فقهی در صورتی که اساس اسلام به خاطر (حمله) دشمن حربی یا قومی از مسلمانان از بین برود، بر همجواری دینی دفاع از مسلمانان واجب است و اگر نیاز به مدد رسانی از غیر آنان باشد، واجب است مدد رسانده شود تا دشمن را باز دارند». و نیز ایشان می فرماید: «دفاع بر هر کسی که بر جانش می ترسد، به طور مطلق واجب است و همه این امور دفاع می باشد». [۳۷] برخی نیز با تأکید بر وجوب دفاع، شیوه تدریجی دفاعی، یعنی از آسانترین روش برای دفاع آغاز شود و در صورت کافی نبودن، روشهای شدیدتری را توصیه می کنند: محقق حلی می فرماید: «انسان حق دارد از جان، حریم و مالش تا آن جا که توان دارد دفاع کند و در این راه به آسانترین روشها باید تکیه کند؛ پس اگر با فریاد کشیدن دفاع محقق می شود، به همان فریاد اکتفا کند و اگر با فریاد نشود با دست دفاع کند و اگر با دست کفایت نمی کند با عصا و اگر با عصا کافی نیست با اسلحه می تواند دفاع کند. اگر متجاوز کشته و یا مجروح شد، خونش هدر است؛ چه آزاد باشد و چه بنده و اگر مدافع کشته شد در حکم شهیدان است». [۳۸] شیخ جعفر کاشف الغطاء جهاد را بر پنج قسم نموده است و چهار قسم آن را دفاع و یک قسم آن را جهاد ابتدایی می دانند، ایشان جهاد برای حفظ اساس اسلام، دفع کفار از مسلمانان در صورت درگیر شدن و دفع آنها از کشورهای اسلامی و دفع کسانی که از رحمت خدا دور شده و قصد گرفتن اموال مسلمانان را دارند را دفاع، ولی جهاد برای برگرداندن کافران به دین اسلام را جهاد ابتدایی می داند. ایشان می نویسد: جهاد بر پنج قسم است: ۱. جهاد برای حفظ اساس اسلام، در صورتی که کفار بخواهند به اساس اسلام و بلاد اسلامی هجوم بیاورند؛ ۲. جهاد برای دفع کسانی که از رحمت خدا دور شده اند و قصد گرفتن اموال مسلمانان را دارند؛ ۳. جهاد برای دفع کفار از مسلمانان، در صورتی که کفار با مسلمانان درگیر شده اند؛ ۴. جهاد برای دفع کفار از بلاد و اراضی مسلمانان، در صورتی که بر مسلمانان و اراضی آنان مسلط شده باشند؛ ۵. جهاد با کفر و برگرداندن کافران به دین اسلام و اقرار به نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم. تمام این پنج قسم جهاد است، اما قسم پنجم مشروط به حضور امام یا نایب خاص وی میباشد؛ به خلاف چهار قسم دیگر. [۳۹] فقهای اهل سنت، جهاد را از عبادت های بزرگ و واجبات مهم دین می دانند و تفاوتی میان جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی قائل نیستند، احمد بن حنبل درباره اهمیت جهاد و مبارزه می گوید: «در میان فرائض، عملی بالاتر از جهاد نمی شناسم». [۴۰] فقهای اهل سنت در چند مورد جهاد را واجب و معین می دانند: ۱. هنگامی که سرزمین اسلامی توسط دشمن اشغال شود؛ در این صورت جهاد بر مردم آن سرزمین معین است. ۲. هنگامی که پیشوا و حاکم، [۴۱] مردم را به جهاد فرا بخواند. با اعلان بسیج از طرف ایشان شرکت در جهاد بر عموم واجب است. [۴۲] همچنین اگر مسلمانان با حملات دشمن غافل گیر می شوند، برای جهاد نیازی به کسب اجازه از فرماندهی نیست و

همچنین برای موارد ضروری که کسب اجازه ممکن نمی باشد. [۴۳] از دانشمندان دیگری که مسأله جهاد و دفاع را مطرح کرده، به وجوب آن تصریح نموده اند، ابن رشد، [۴۴] ابن حزم ظاهری، [۴۵] وهبه زحیلی، [۴۶] سرخسی و... می باشند. ماهیت عملیات استشهادی ماهیت عملیات استشهادی باید دفاعی باشد؛ بدین معنا که پیش از آن تهاجم و تجاوزی صورت گرفته باشد تا در برابر آن شخص به دفاع برخیزد، نه این که ابتدا به چنین عملی اقدام نماید که این خود جنبه تجاوز داشته و نفس تجاوز و تعدی به دیگران - به ویژه آن که موجب کشته شدن عده ای را فراهم آورد - مشروعیت ندارد و حرام است؛ زیرا مورد نهی خداوند واقع شده است: (وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ). [۴۷] بنابراین زمینه این عملیات را باید دشمنان متجاوز فراهم کرده باشند و در مقابل برای ضربه زدن و دفع تهاجم این اقدام صورت گیرد. در نتیجه نمی توان در جایی که

هیچ گونه تجاوزی صورت نگرفته است، [۴۸] دست به چنین عملیاتی زد؛ زیرا لازمه آن هرج و مرج خواهد بود. دفاع در چنین عملیاتی می تواند چند جهت داشته باشد. دفاع در مقابل تجاوز به سرزمین اسلامی، دفاع در برابر بیرون راندن از خانه و کاشانه، دفاع در برابر هجوم به اصل اسلام و مسلمانان و همه این موارد دفاع در اسلام مورد تأیید می باشد. درباره دفاع از سرزمین اسلامی، فتاوی فقهای اسلامی مطرح شد. در اینجا تنها به سخن امام خمینی رحمه الله اکتفا می شود. ایشان می فرماید: اگر کشور مسلمین و مرزهای آن توسط دشمنان مورد تهاجم قرار گیرد که از وی بر اسلام و امت اسلامی بترسند، بر مسلمین دفاع از مال و جان، به هر وسیله ممکن، بدون هیچ قید و شرطی واجب است. [۴۹] اما در مورد دفاع در برابر بیرون راندن از خانه و کاشانه به آیاتی از قرآن می توان استناد نمود. خداوند متعال به مظلومینی که مورد ستم قرار گرفته اند، ضمن اجازه جهاد و دفاع، می فرماید: اینها ستمدیدگانی هستند که (أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ)؛ [۵۰] از خانه و شهر خود به ناحق رانده شدند و جرمی نداشتند جز این که می گفتند: پروردگار ما خدای یکتا است. مورد دیگر در داستان طالوت است؛ وقتی گروهی از بنی اسرائیل از پیامبر عصر خود تقاضای فرماندهی کردند، پیامبر آنها گفت: شاید اگر دستور پیکار به شما داده شود (سرپیچی کنید و) در راه خدا جهاد و پیکار نکنید. مردم در پاسخ گفتند: (وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أَخْرَجَنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا)؛ [۵۱] چگونه ممکن است در راه خدا پیکار نکنیم، در حالی که از خانه ها و فرزندانمان رانده شده ایم.

در هر صورت، پس از تعیین طالوت به عنوان فرمانده از جانب خداوند دستور جهاد نیز صادر شد. اگرچه عده کمی حکم جهاد را پیروی نموده و عده زیادی نیز سرپیچی کردند. یادآوری این نکته ضروری می نماید که این آیات و مانند آن فرمان های شخصی نیستند، بلکه فرمان هایی را برای عموم مردم صادر می کند و روشن است که این اقدام عمومی بدون اذن پیشوایان دینی و حاکم شرع مشکل می نماید و در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز بدون فرمان و اذن پیامبر حکم به جنگ و قتل نمی شد؛ چرا که پیمان های متعددی مبنی بر عدم پیکار و درگیری میان مسلمانان و مشرکان یا یهود بسته شده بود. به همین علت شخصاً کسی اقدام به عملیات نظامی و کشتن عده ای نمی کرد. به نظر می رسد در عملیات استشهادی نیز جهت به کار نبردن سلیقه های شخصی و حب و بغض ها و پدید نیامدن هرج و مرج، بهترین راه این است که زیر نظر حاکم شرع و مجتهد جامع الشرایط، با فرماندهی افراد امین و دلسوز صورت گیرد تا حیثیت مسلمانان خدشه دار نشود. [۵۲] بنابراین آنچه در ماهیت این بحث ممکن است دخالت داشته باشد این است که در صورت توانایی و وجود دفاع جمعی و ملی نوبت به چنین عملیاتی نمی رسد. اما دیدگاه امام خمینی رحمه الله درباره شهید فهمیده و ستایش بی نظیر او از سوی امام، استفاده میشود که این مسأله در ضمن دفاع جمعی و ملی بوده و چنین عملی پسندیده و قابل ستایش است. امام خمینی رحمه الله درباره شهید فهمیده فرمودند: رهبر ما آن طفل دوازده ساله ای است که با قلب کوچک خود که ارزشش از صدها زبان و قلم ما بزرگتر است، با نارنجک خود را زیر تانک دشمن انداخت و آن را منهدم نمود و خود نیز شربت شهادت نوشید. [۵۳] اهداف عملیات استشهادی یکی از مهم ترین بحث ها درباره عملیات استشهادی، توجه به اهداف و انگیزه های عاملان عملیات استشهادی است. انسان خردمند هیچ عملی را بدون هدف انجام نمی دهد؛ اگر چه عملیات استشهادی دفاع است، اما مشروعیت دفاع با اهدافی، مانند: از خودگذشتگی و شهادت، استقامت در دین، ذلت ناپذیری، از بین بردن ستم و اختناق، سربلند نگه داشتن اسلام و مسلمین، به روشنی از آیات فراوانی قابل استفاده است که به مهم ترین آنها می پردازیم: ۱. فدا شدن در راه خدا (شهادت) یکی از اهداف عاملان عملیات استشهادی شهادت و فدا شدن در راه خدا با نیت خالص است. افراد با ایمانی هستند که با خدای خود معامله می کنند و در جستجوی شهادت و جان فشانی در راه خداوند. در قرآن کریم می فرماید: (وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ)؛ [۵۴] بعضی از مردم (با ایمان و فداکار، همچون علی علیه السلام در لیلۃ المبیت به هنگام خفتن در جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) جان خود را به خاطر خشنودی خدا می فروشند و خداوند نسبت به بندگان مهربان است. اگرچه این آیه شریفه در شأن امام علی علیه السلام نازل شده است [۵۵] - که در «لیلۃ المبیت»،

هنگامی که کفار قصد جان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را کرده بودند، علی علیه السلام در بستر آن حضرت خوابید - اما منحصر در همان مورد خاص نیست، بلکه دارای یک مفهوم گسترده ای است و شامل هر مجاهدی که جان خود را در راه خشنودی خدا فدا کند می شود. [۵۶] همچون سایر آیات قرآن که مفهوم و محتوای کلی و عمومی دارد. [۵۷] در هر حال، این آیه گروهی از مردم فداکار را بیان می کند که تنها با خدا معامله می کنند و هر چه دارند حتی جان خود را می فروشند و در ازای آن جز رضا و خشنودی او چیزی خریدار نیستند و با فداکاری و ایثار آنها است که امر دین و دنیا اصلاح و حق زنده و پایدار می شود و زندگی انسان گوارا و درخت اسلام بارور می گردد. [۵۸] خداوند متعال در آیه ای دیگر - که معامله انسان با خدا را بیان می کند - می فرماید: (إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ)؛ [۵۹] خدا از مؤمنان جان ها و مال هایشان را خریداری می کند که بهشت از آن آنها باشد و در راه خدا پیکار می کنند، می کشند و کشته می شوند. مفسران [۶۰] هر دو آیه را به یک مضمون گرفته اند و آن معامله جان انسان با خدای متعال است که خشنودی خدا و بهشت نتیجه آن می باشد، ولی آنچه در رسیدن به این نتیجه مهم است، هدف آنها است که طلب شهادت همراه با نیت خالص است. قرطبی می نویسد: این آیه هم کسی که به قصد قربت به میدان جهاد و شهادت قدم می گذارد و به دست دشمن شهید می شود، شامل می شود و هم کسی که با همین انگیزه به مصاف دشمن می رود و برای نابودی جمعی آنها اقدام نموده، خودش هم در ضمن آن کشته می شود. هر دو با خدا عهدی منعقد می کنند تا بر اساس آن جان و مال خود را با بهشت ابدی معامله کنند، بلکه می توان صدق مفهوم «اقتراء» به معنای خرید جان و مال مؤمن از طرف خداوند دانست. [۶۱] و یکی از مصادیق آن عملیات استشهدادی است؛

زیرا شخص در طلب شهادت و با نیت خالص اقدام به حمله به دشمن می کند و مشمول آیه فوق نیز می شود. [۶۲] و حتی می توان گفت صدق مفهوم «اقتراء» به معنای خرید جان و مال مؤمن در برابر خشنودی خدا و در برابر بهشت در عملیات استشهدادی روشن تر از سایر موارد جهاد و دفاع است چرا که شخص در یک مبارزه نابرابر با علم به کشته شدن با قصد الهی به مصاف دشمن می رود. چنین انسانی قابل ستایش است زیرا به دفاع از سرزمین و ملت خود می پردازد و نه تنها ملت مسلمان این گونه افراد را تمجید و تحسین می نماید، بلکه در میان هر ملتی اگر شخصی برای آنان جان خود را فدا کند او را تحسین می کنند. ۲. استقامت یکی از مهم ترین هدف های عملیات استشهدادی استقامت و پایداری در راه دین اسلام است. ارزش هر مسلمان واقعی به صبر و پایداری او در راه دین است و در مسیر اسلام واقعی مشکلات فراوانی وجود دارد که باید آنها را از سر راه برداشت. خداوند متعال می فرماید: (إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ)؛ [۶۳] به یقین کسانی که گفتند پروردگار ما خداوند یگانه است، سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می شوند که نترسید و غمگین نباشید و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است. افراد مدعی ایمان زیادند، اما هنگام برخورد با مشکلات و به خطر افتادن منافع، سست و ناتوان می شوند و ایمان خود را از دست می دهند، این گروه در عمل مشرکند، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بعد از تلاوت این آیه فرمودند: گروهی این سخن را گفتند، سپس اکثر آنها کافر شدند، اما کسی که بگوید و همچنان بر آن پایدار باشد تا زمانی که مرگش فرا رسد از کسانی است که بر آن استقامت کرده است. [۶۴] استقامت در برابر انجام فرایض دینی مانند نماز و روزه، استقامت در برابر توطئه ها و تهمتهای مخالفان، همچنین در برابر مسخره های آن ها و استقامت در ولایت ائمه علیهم السلام و استقامت در مخالفت با هوای نفس، شهوترانی و ترک گناهان و بدی ها، انسان را به بالاترین ارزشها می رساند. استقامت، خالص کردن عمل برای خدا و اطاعت کردن خدا مطابق با آنچه در شرع مقدس اسلام آمده است. [۶۵] شرکت در عملیات استشهدادی اثبات راست قامتی مسلمانان در دین است و این خود موجب ترس و وحشت در دل دشمن است. برخی از مفسران گفته اند: اگر در عملیات استشهدادی قصدش ترساندن دشمن باشد یا راست قامتی مسلمانان را در دین ثابت کند، اشکالی ندارد. [۶۶] شخص مسلمانی که دشمن او را از خانه و کاشانه اش بیرون رانده است و نزدیکانش را کشته است و اموال او را می گیرد و همیشه در مخاطره دشمن است، اما نه تنها دست از دین خود بر نمی دارد بلکه با دشمن تا سر حد شهادت در حال مبارزه است، این مصداق بارز استقامت در دین است. قرآن می فرماید: «بر این افراد فرشتگان نازل می شوند که هیچ حزن و اندوهی نداشته باشند و بهشتی نیز که وعده داده شده برای آنها خواهد بود.» در آیه سیزده سوره احقاف - که مشابه آیه فوق است - چنین آمده است: این گروه از اصحاب بهشت و همیشه در آن متنعّم هستند و این پاداش اعمال صالح و اطاعت آنان از خداوند در دنیا است. [۶۷]

۳. عزت و سربلندی یکی از مهم ترین اهداف عملیات استشهدادی عزت و سربلندی مسلمانان است. شخصی که عملیات استشهدادی را انجام می دهد در صدد است تا ذلت و خواری که توسط دشمنان تحمیل شده است از بین ببرد. مفسران عملیات استشهدادی را با چنین هدف و

انگیزه ای جایز دانسته، آن را معامله ارزشمند با خدا تلقی نموده اند. [۶۸] از اساسی ترین شعارهای اسلام این است که مسلمان نباید زیر بار هیچ ذلت و خواری برود، بلکه باید همیشه عزیز و سربلند باشد، کافران در هیچ موردی نباید بر مسلمانان سیطره داشته باشند: «خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است». [۶۹] از آیه استفاده می شود که کافران نه تنها از نظر منطق، بلکه از نظر نظامی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و خلاصه از هیچ نظر بر افراد با ایمان چیره نخواهند شد. [۷۰] در آیات دیگر نیز مؤمنان را برترین انسان ها معرفی می نماید: (وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ)؛ [۷۱] سست نشوید و غمگین نگردید و شما برترید اگر ایمان داشته باشید. آیه نشان می دهد ایمان با علو و برتری توأم است و ممکن نیست که با حفظ ایمان زیر دست کفار واقع شوند. [۷۲] همچنان که در آیه دیگری نیز می خوانیم: (وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ)؛ [۷۳] عزت و سربلندی نیز از آن خدا و رسول و مؤمنان است. مؤمنان در موارد متعددی در عقیده، در روش های دینی، نقش آفرینی، هدایت و... بر

دیگران برتری دارند. [۷۴] در این صورت باید آنان سربلند و عزیز باشند. هرگونه خواری و ذلت را از خود دور نمایند و زیر بار ظلم و ستم نباید بروند؛ حتی اگر با کشته شدن در برابر لشکر عظیم کفار باشد. بهترین الگوی آن عمل حضرت سیدالشهداء علیه السلام در کربلا است که با عده و عده بسیار اندک در برابر لشکری بزرگ ایستادگی نمود و شربت شهادت نوشید و زیر بار ذلت افراد پست و ستم کاری چون یزید نرفت و فرمود: این زنزاده مرا بین دو چیز مخیر کرده است، بین قیام با شمشیر و ذلت؛ «هیئات منا الذلة قد بأبی الله لنا ذلک ورسوله والمؤمنون»؛ [۷۵] ذلت و خواری از ما دور است، خدا و رسولش و مؤمنان آن را شایسته ما نمی دانند. و این سخن، شعار امروزی هر مسلمان واقعی و مظلوم است تا جایی که به پیروی از رهبر دینی خود جان خود را در این راه فدا نموده و کشته می شود. ارزش و اهمیت دفاع از دیدگاه امام خمینی رحمه الله در این جا دو سخن از امام خمینی رحمه الله درباره ارزش و اهمیت دفاع بیان می شود: جنگ خیلی خوب است از یک جهت و آن این است که انسان را شجاعتی که در باطن انسان است بروز می دهد و تحرک برای انسان حاصل می شود. انسان از آن خمودی بیرون می آید. [۷۶] در جای دیگر می فرماید: من خون و جان ناقابل خویش را برای ادای واجب حق و فریضة دفاع از مسلمانان آماده نموده ام و در انتظار فوز عظیم شهادتم. [۷۷]

با وجود برخورداری عملیات استشهادی از دلایل و اهداف، دارای شبهات و موانعی است که به مهم ترین آنها اشارت می رود: تفاوت عملیات استشهادی و انتحار ممکن است گفته شود عملیات استشهادی همان انتحار و خودکشی است، بلکه بدتر از انتحار است؛ زیرا غیر از خود انسان افراد دیگری نیز در این عملیات کشته می شوند و انتحار امری مذموم و ناپسند است. ما در پاسخ می گوئیم: این ها دو تفاوت جوهری دارند برای روشن شدن بحث به توضیح انتحار و حکم آن می پردازیم. انتحار در لغت از نحر به معنای خودکشی است [۷۸] و در اصطلاح شرعی عبارت از این است که کسی به خاطر حرص دنیا، طلب مال و یا در حالت غضب و ضجر به قصد خودکشی، دست به کشتن خود بزند. [۷۹] روشن است که خودکشی به هر دلیلی که باشد از نظر اسلام محکوم و هیچ توجیهی ندارد. دلایل زیادی بر حرمت آن وارد شده است که از آن جمله می توان به آیه شریفه: (وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا) [۸۰] اشارت نمود. این آیه افزون بر نهی از کشتن دیگران، نهی از خودکشی و انتحار نیز هست. در این آیه می فرماید: یکدیگر را نکشید، خداوند به شما مهربان است. مفسران این آیه را دلیل بر حرمت خودکشی می دانند؛ یعنی خداوند مهربان نه تنها راضی نمی شود دیگری شما را به قتل برساند، بلکه به خود شما هم اجازه نمی دهد که با رضایت خود، خویشتان را به دست نابودی بسپارید. [۸۱] مرحوم طبرسی نیز آیه را دلیل بر حرمت انتحار می داند، در نتیجه جایز نیست کسی در حال غضب و ناراحتی [۸۲] و به خاطر رهایی از غم و سختی زندگی، خودش را بکشد. [۸۳] و در ادامه خداوند متعال، مجازات خودکشی را آتش جهنم دانسته، می فرماید: (وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيهِ نَارًا)؛ [۸۴] کسی که خود را آلوده خوردن اموال دیگران به ناحق سازد یا دست به انتحار و خودکشی بزند، به زودی او را در آتشی وارد خواهیم ساخت. همچنین می توان برای نهی از هلاکت و خودکشی به آیه شریفه: (وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ) [۸۵] استناد نمود که شامل هر عاملی می شود که انسان را به هلاکت و نابودی بیفکند. [۸۶] در روایات نیز به حرمت خودکشی و وعده عذاب الهی به آتش جهنم اشاره شده است؛ از جمله در روایتی امام صادق علیه السلام می فرماید: «من قتل نفسه متعمداً فهو فی نار جهنم خالداً فیها»؛ [۸۷] هر کس عمداً خودکشی کند، همیشه در آتش جهنم خواهد بود. این در حالی است که در عملیات استشهادی شخص به دنبال دست آوردن حق خود و سرزمین خود و پاسخ به تجاوزات یک تجاوزگر و مهاجم است، و شخص نیز در صدد حفظ عزت اسلام و مسلمانان می باشد لذا این دو عمل کاملاً متفاوت می باشد. نکته مهم دیگر پیامد و نتیجه دو عمل است که در عملیات شهادت طلبانه شخص به دنبال بالاترین آرمان ها و آرزوهای دینی یعنی شهادت است که برتر از آن فضیلتی

نیست، اما در عملیات انتحاری از آن جا که یک نوع خودکشی به حساب می آید افزون بر این که مرتکب گناه کبیره شده است، مجازات آن نیز در آخرت آتش خواهد بود. [۸۸] با توجه به مطالب فوق روشن می شود که در عملیات شهادت طلبانه، شخص عامل دارای قوت روحی، شجاعت، شهامت، ایمان و اعتقاد راسخ و آگاهی کامل از کردار خویش است، در حالی که در عملیات انتحاری شخص دارای ضعف روحی، بی ایمانی، رسیدن به بن بست، بی هدفی و پوچی در زندگی می باشد. بنابراین تفاوت عملیات استشهادی و انتحاری در سه موضوع قابل جستجو است: ۱. قصد و انگیزه؛ ۲. ویژگی های روحی عامل؛ ۳. نتیجه. جدول زیر تفاوت های اساسی این دو عمل را نشان می دهد: عملیات قصد و انگیزه ویژگی های روحی نتیجه استشهادی قصد قربت و نیت خالص برای خدا، طلب شهادت، اثبات راست قامتی مسلمانان، عدم پذیرش سلطه کافران، ایجاد رعب و ترس در دل کفار، سربلندی و عزت اسلام. شجاعت، شهامت، قوت و قدرت روحی، آگاهی کامل به هدف، ایمان و اعتقاد راسخ دست یابی به بالاترین افتخار یعنی شهادت، بهشت، سعادت ابدی، آموزش انتحاری رهایی از زندگی، نفله کردن خود، رهایی از گرفتاری های روحی، نجات غیرواقعی در زندگی، فرار کردن از مشکلات و واقعیت های موجود. افسردگی، ضعف و سستی، عدم توانایی در کنترل اضطراب ها، تخیل و وهم به پیروزی، ضعف و بی ایمانی خودکشی، جهنم، شقاوت ابدی، ارتکاب یک گناه کبیره

نتیجه این که: عملیات استشهادی با خودکشی و انتحار کاملاً متفاوت است و دو موضوع با هم تزامنی ندارند. افزون بر شبهه انتحار، عملیات استشهادی موانع دیگری نیز دارد که عبارتند از: ۱. تزامم با وجوب حفظ مصلحت عمومی مسلمانان اثبات این مسأله که عملیات استشهادی در همه ابعاد مصلحت تمام مسلمانان و جوامع اسلامی را در برداشته باشد بسیار مشکل است. حفظ مصلحت عمومی مسلمانان از دو جنبه با چنین عملیاتی در تزامم است: الف: با چنین عملیاتی احتمال این که اسلام و مسلمانان در جهان با چهره ای خشن و زشت جلوه داده شوند وجود دارد و این خود باعث دوری مردم دنیا و طرفداران ادیان دیگر نسبت به اسلام خواهد بود. ب: ضربه زدن به گروهی که عنوان دشمن نیز دارند، خود زمینه ساز ضربه های متقابل و کشتن افراد بیشتری از مسلمانان می باشد. ۲. کشته شدن انسان های بی گناه یکی دیگر از موانع عملیات استشهادی این است که در چنین عملیاتی تنها سربازان و نظامیان دشمن کشته نمی شوند، بلکه شهروندان عادی، زنان و کودکان بی گناه نیز از بین خواهند رفت، این در حالی است که در اسلام حتی در زمان جنگ سفارش شده است که به زنان و کودکان و سالخوردهگان حمله نشود. [۸۹] نتیجه و بررسی با وجود چنین موانعی حکم به وجوب یا جواز عملیات استشهادی بدون هیچ قید و شرطی با اشکال مواجه است، لذا در صورت تزامم دلایل، لازم است که اهم و مهم

تشخیص داده شود و اهم مقدم گردد مثلاً در صورت تزامم دلایل جواز عملیات استشهادی با وجوب حفظ مصلحت عمومی مسلمانان، حفظ مصلحت عمومی مسلمانان و جوامع اسلامی اهم است و مقدم بر عملیات استشهادی. در هر صورت همین موانع باعث شده است که فتاوای فقها در این زمینه مختلف باشد: برخی این عملیات را با شرایطی که در آغاز بحث مطرح شد، جایز دانسته اند. برخی آن را منوط به اذن حاکم شرع (مجتهد جامع شرایط) یا ولی فقیه نموده و برخی دیگر آن را حرام دانسته اند، مگر این که مصلحت اهمی مانند دفاع از اسلام و مسلمین متوقف بر آن باشد. در نتیجه به صرف ظن و گمان نمی توان موضوع را تمام شده تلقی نمود و دست به عملیات زد. بهترین راه آن دخالت دادن حاکم شرع و ولی فقیه است تا با نظر افراد امین، دلسوز و متخصص جامعه این گونه امور مهم رهبری شود و هر ج و مرج در جوامع اسلامی پدید نیاید. جهت روشن شدن بهتر بحث، برخی از فتاوای فقها - که به صورت پرسش و پاسخ است - در این جا نقل می شود: ۱ - آیت الله مکارم شیرازی محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی، مرجع تقلید شیعیان، دامت برکاته با سلام و احترام نظر مبارک آن مرجع تقلید در رابطه با مسائل ذیل خواستارم: در صورتی که عملیات استشهادی با شاخصه های زیر انجام شود: ۱. فرد با نیت خالص برای خدا و منفعت رساندن به مسلمانان و سست نمودن کفار، به دشمن حمله کند؛ ۲. فرد با هدف دفع تهاجم مستقیم یا غیرمستقیم دشمن و ضربه زدن مؤثر به او کار خود را انجام دهد؛

۳. خود در اثر این حمله قطعاً یا قریب به یقین کشته شود؛ ۴. نفوس دشمن کشته شوند و امکانات اقتصادی، سیاسی او ضربه جدی ببیند؛ ۵. ماهیت کار، دفاع و ضربه متقابل باشد و ابتدائاً انجام گیرد؛ ۶. راه دیگری که ضربه مورد نظر بدون کشته شدن عامل حمله استشهادی صورت پذیرد وجود ندارد. الف: آیا جایز است یا خیر؟ در صورت جواز آیا چنین عملیاتی تحت ادله دفاع قرار می گیرد یا دلایل دیگری دارد؟ ب: در صورت تزامم با ادله حرمت قتل نفس و وجوب حفظ نفس کدام یک اهم می باشد؟ ج: در صورتی که چنین عملی موجب وهن اسلام و مسلمانان باشد یا از نظر ماهیت دفاعی تأثیر نداشته باشد؛ یعنی دفع دشمن به دنبال نداشته باشد، این عمل چه صورتی پیدا می کند؟ د: کشته شدن افراد بی گناه در هنگام چنین عملیاتی چه حکمی دارد؟ و آیا ادله تترس شامل آن می شود یا خیر؟ بسمه تعالی ج ۱ تا آخر: هرگاه راه دفاع از کبان اسلام و مسلمین منحصر به این راه باشد جایز است و علاوه بر ادله تترس، قانون اهم و مهم نیز در این مورد حاکم

است، ولی باید تا ممکن است ضایعات بر افراد بی گناه به حداقل برسد. همیشه موفق باشید؛ ۲۱ / ۴ / ۸۵ www.makarem.ir - آیت الله فاضل لنکرانی آیت الله فاضل لنکرانی در پاسخ به چند استفتاء درباره مشروعیت عملیات استشهادی مجاهدین فلسطینی علیه نیروهای متجاوز اسرائیل می گوید: ... و بر فرزندان اسلام در فلسطین اشغالی و سرزمین های لبنان بلکه بر همه فرزندان اسلام، جهاد و مقاومت و آمادگی در مقابل آنان (متجاوزین اسرائیلی) به هر نحوی که می توانند، واجب است و حد و مرزی ندارد... [۹۰] و در جای دیگر می گوید: مسأله فلسطین مسأله دفاع است و دفاع از خود و حریم و ناموس و کیان اسلام به هر نحوی که باشد جایز است. [۹۱] - آیت الله نوری همدانی بسمه تعالی محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی، دام ظلّه العالی سلام علیکم پس از عرض سلام و ادب و آرزوی سلامتی برای حضرتعالی مستدعی است نظر مبارک را در رابطه با مسائل ذیل مبذول فرمائید: ۱. حکم شرعی عملیات استشهادی چیست؟ بسمه تعالی، پس از سلام در مورد فوق - مانند کار شهید حسین فهمیده است - یک نوع جهاد است. ۲. آیا عملیات استشهادی به عنوان اولی حرام است، اما ولی امر و ولی فقیه از باب عنوان ثانوی آن را جایز می دانند؟ بسمه تعالی، همان طور که ذکر شد، یک نوع جهاد است. ۳. مسئول تشخیص ضرورت انجام عملیات استشهادی چیست؟ بسمه تعالی، کسانی که به اوضاع مبارزه و جهاد و به اوضاع دشمنان اسلام واقف می باشند و موقعیت و لزوم آن را تشخیص می دهند. ۴. ادله فقهی جواز عملیات استشهادی چیست؟

بسمه تعالی، ادله جهاد شامل آن می شود. ۵. تفاوت انتحار با عملیات استشهادی در موضوع و حکم چیست؟ بسمه تعالی، جهاد در راه خدا با خودکشی موضوعاً و حکماً فرق دارد. ۶. آیا ادله جهاد شامل عملیات استشهادی نیز می شود؟ از جواب قبل روشن شد. [۹۲] - آیت الله موسوی اردبیلی بسمه تعالی محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی موسوی اردبیلی سلام علیکم پس از عرض سلام و ادب و آرزوی سلامتی برای حضرتعالی مستدعی است نظر مبارک را در رابطه با مسائل ذیل مبذول فرمائید: ۱. حکم شرعی عملیات استشهادی چیست؟ ۲. آیا عملیات استشهادی به عنوان اولی حرام است، اما ولی امر و ولی فقیه از باب عنوان ثانوی آن را جایز می دانند؟ ۳. مسئول تشخیص ضرورت انجام عملیات استشهادی چیست؟ ۴. ادله فقهی جواز عملیات استشهادی چیست؟ ۵. تفاوت انتحار با عملیات استشهادی در موضوع و حکم چیست؟ ۶. آیا ادله جهاد شامل عملیات استشهادی نیز می شود؟ بسمه تعالی عملیات انتحاری که احیاناً از آن جهت که به قصد دفاع یا ضربه زدن به متجاوز انجام می گیرد از آن به عملیات استشهادی تعبیر می شود حرام است، مگر آن که مصلحت اهمّی مثل دفاع از اسلام و مسلمین متوقّف بر آن باشد

و چون تشخیص این جهت، کار آسانی نیست، لذا لازم است با اجازه مجتهد جامع الشرایط باشد. [۹۳] نکات: از فتاوی فقهی معاصر نکات زیر مهم و قابل استفاده می باشد: ۱. چنین عملیات ماهیت دفاعی داشته و ادله دفاع شامل آن می شود و حکم دفاع نیز روشن می شود. ۲. در تشخیص این موضوع باید نهایت دقت به عمل آید. ۳. تنها راه دفاع از جان و نوامیس مسلمین یا کیان اسلامی منحصر در چنین عملی باشد. ۴. خودکشی نیست و با انتحار کاملاً متفاوت است. ۵. برای جلوگیری از هرج و مرج و حفظ حیثیت مسلمانان و جلوگیری از سلیقه های شخصی لازم است با اجازه مجتهد جامع الشرایط و حاکم شرع صورت بگیرد. ۶. اگر شخص با شرایط لازم و اهداف و نیت خالص چنین عملی را انجام دهد در زمره شهدای اسلام می باشد. تفاوت عملیات استشهادی و تروریسم تعریف و ویژگی های عملیات استشهادی پیش از این بیان شد، برای بیان تفاوت آن با ترور و تروریسم لازم است ترور نیز تعریف شود. «ترور» واژه فرانسوی (terreur) به معنای قتل سیاسی با اسلحه وحشت و ترس است و تروریست به کسی می گویند که طرفدار اصول تشدد، شدت عمل و ایجاد رعب و ترس باشد و در زبان فارسی به کسی اطلاق می شود که با اسلحه مرتکب قتل سیاسی شود، تروریسم به اصل حکومت

وحشت و فساد گفته می شود. [۹۴] با توجه به تعریف و شرایطی که برای عملیات استشهادی بیان شد، روشن می شود که این عملیات کاملاً دفاعی و در مقابل تجاوز و برای استیفای حقوق از دست رفته است و راه دیگری نیز برای استیفای حق وجود ندارد، اما تروریسم که یک بار معنایی منفی دارد فعالیت های مجرمانه و خشونت آمیزی است که برای ایجاد رعب و وحشت با هدف سیاسی انجام می گیرد. [۹۵] و از مصادیق آن آدم ربایی، هواپیماربایی، هرج و مرج و ایجاد ناامنی است و در واقع خود یک تهاجم ابتدایی است نه دفاع و با مطامع و اهداف سیاسی و دنیوی صورت می گیرد، در حالی که عملیات استشهادی، دفاع در برابر تهاجمی است که از طرف دشمن صورت گرفته، عده ای کشته شده اند، خانه و کاشانه و اموال آنان آسیب دیده یا از بین رفته است و قصد این عملیات دفع تجاوز و استیفای حق است، ولی در ترور ضایع کردن حق دیگران و ستم به حقوق دیگران است.

۱. آثار الحرب في الفقه الاسلامي، وهبه زحيلي، دمشق، دارالفكر، ۱۴۱۹ق. ۲. استفتانات، امام خميني، تهران، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۳۶۶. ۳. امام خميني و انتفاضة فلسطين، تهران، مركز اسناد انقلاب اسلامي، ۱۳۸۱. ۴. بداية المجتهد ونهاية المقتصد، ابن رشد، ابو الوليد محمد، القاهرة، المطبعة الجمالية، ۱۳۲۹ق. ۵. بزهاكاري بين المللي، آندره بوسا، ترجمه نگار رخشاني، تهران، انتشارات گنج دانش. ۶. پاره های پولاد، حميد داوری، تهران، مؤسسه فرهنگي - هنري شهيد آويني، نشر غنچه، ۱۳۸۳. ۷. پيام قرآن، ناصر مكارم شيرازي، قم، مدرسه الامام اميرالمؤمنين عليه السلام، ۱۳۷۵. ۸. تحرير الوسيله (ترجمه فارسي)، امام خميني، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني، چاپ عروج، ۱۳۸۵. ۹. تفسير القرآن العظيم، اسماعيل بن كثير، بيروت، دار المعرفة، ۱۴۱۷ق. ۱۰. تفسير المراغي، احمد مصطفي مراغي، بيروت، دارالفكر. ۱۱. تفسير المنير، وهبه زحيلي، بيروت، دار الفكر، ۱۴۲۶ق. ۱۲. تفسير نمونه، ناصر مكارم شيرازي و همكاران، تهران، دار الكتب الاسلاميه. ۱۳. تهذيب الاحكام، شيخ محمد بن حسن طوسي، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۴. ۱۳۶۵. الجامع لاحكام القرآن، ابو عبدالله محمد قرطبي، دار الكتب، قاهره، ۱۳۷۸ق. ۱۵. جواهر الكلام، محمدحسن نجفي، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۶. ۱۳۶۸. سلسله الينابيع الفقهيه، على اصغر مرواريد، بيروت، مؤسسه فقه الشيعه، الدار الاسلاميه، ۱۷. ۱۴۱۰ق. ۱۷. سنن ابى داوود، سليمان بن اشعث سجستاني، تحقيق: سيد محمد اللحام، بيروت، دارالفكر. ۱۸. شرائع الاسلام، ابوالقاسم نجم الدين محقق حلي، قم، دار الهدى. ۱۹. صحيفه امام، امام خميني، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني، ۱۳۷۹. ۲۰. عمليات استشهادهي چرا و چگونه، حسن باقري و مرتضى سالمى، تهران، نشر نذير، ۱۳۸۱. ۲۱. العمليات الاستشهادية في الميزان الفقهي، نواف هایل تکروري، دمشق، دار الفكر. ۲۲. فتح الباري، احمد بن على العسقلاني، بيروت، دار احياء التراث العربى، ۱۴۰۲ق. ۲۳. فقه زندگي، سيد محمد حسين فضل الله، ترجمه مجيد مرادى، بيروت، دار الملاك، ۲۴. ۱۳۸۰. فلسطين از ديدگاه امام خميني (تبيان، آثار موضوعي، دفتر چهارم)، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني رحمه الله، ۲۵. ۱۳۷۳. في ظلال القرآن، سيد قطب، بيروت، دار الشروق، ۱۴۰۸ق. ۲۶. الكافي، محمد بن يعقوب كليني، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۲۷. ۱۳۶۳. كشف الغطاء، جعفر كاشف الغطاء، قم، بوستان كتاب، مكتب الاعلام الاسلامي، ۱۴۲۲ق. ۲۸. مجمع البيان، ابوالفضل طبرسي، بيروت، دار احياء التراث الاسلامي، ۱۴۰۶ق. ۲۹. المحلى، ابن حزم، القاهرة، المطبعة المنيري، ۱۳۴۷ق. ۳۰. المغنى، ابن قدامه، بيروت، دار احياء التراث العربى. ۳۱. من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۹۰ق. ۳۲. من وحى القرآن، سيد محمدحسين فضل الله، بيروت، دار الملاك، ۱۴۱۹ق. ۳۳. موسوعه كلمات امام حسين عليه السلام، گردآورنده محمود شريفى، قم، دار المعروف، ۳۴. ۱۳۷۳. الميزان في تفسير القرآن، محمدحسين طباطبائي، بيروت، منشورات اعلمى، ۳۵. ۱۳۷۳. وسائل الشيعه، شيخ حر عاملى، بيروت، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۳ق. . نساء (۴): ۷۴.

. آل عمران (۳): ۱۵۷.

. الكافي، ج ۵، ص ۵۳، ح ۳.

. ميزان الحكمة، ج ۶، ص ۲۸۷۳.

. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۴۴۳، ح ۴۳۱۳.

. آل عمران (۳): ۱۶۹.

. صحيفه امام، ج ۱۴، ص ۴۰۸.

. همان، ج ۱۵، ص ۲۲۶ - ۲۲۷.

. همان، ج ۶، ص ۲.

. ورعى، سيد جواد، مجله حكومت اسلامي، ش ۲۷.

. توبه (۹): ۱۱۱.

. رك: تفسير المنير، ج ۲، ص ۱۹۰ - ۱۹۱.

. ميتوان به ديدگاهها و فتاواى شيخ وهبه زحيلي (همان)، شيخ طنطاوى، شيخ يوسف قرضاوى(ر.ك: العمليات الاستشهادية فى الميزان الفقهى، ص ٣٥) و شيخ احمد كفتارو (ر.ك: عمليات استشهادى چرا و چگونه، ص ٦٢ و ٦٣) و شيخ محمد سعيد رمضان البوطى (ر.ك: العمليات الاستشهادية فى الميزان الفقهى، ص ١٠٢).

. ر.ك: پيام قرآن، ج ١٠، ص ٣٢٨؛ وحى و رهبرى، ص ١٥١؛ منشور جاويد قرآن، ج ٣، ص ١٠.

. حج (٢٢): ٣٩.

. ر.ك: الميزان، ج ١٤، ص ٣٨٥ و ٣٨٦؛ تفسير نمونه، ج ١٤، ص ١١٩.

. بقره (٢): ١٩٠.

. الميزان، ج ٢، ص ٦٦.

. ر.ك: تفسير نمونه، ج ٢، ص ١٨.

. ر.ك: من وحى القرآن، ج ٤، ص ٧٥.

. تفسير نمونه، ج ٢، ص ١٠.

. بقره (٢): ١٩١.

. بقره (٢): ١٩٤.

. تهذيب الاحكام، ج ٦، ص ١٦٧، ح ٢؛ وسائل الشيعه، ج ١٥، ص ١٢١، ح ٨.

. الكافى، ج ٥، ص ٥٢؛ تهذيب الاحكام، ج ٦، ص ١٥٧، ح ٥؛ وسائل الشيعه، ج ١٥، ص ١٢٠.

. الكافى، ج ٥، ص ٥٢؛ وسائل الشيعه، ج ١٥، ص ١٢٢.

. سنن ابى داود، ج ٢، ص ٤٣٠.

. جواهر الكلام، ج ٢١، ص ١٨ - ١٩.

. شرايع، سلسله النبايع الفقيهيه، ج ٩، ص ٢٠١.

. تحرير الوسيله (ترجمه فارسى)، ج ١، ص ٥٥١، مسأله ١ و ٢.

. استفتائات، ج ١، ص ٥١٥.

. همان، ص ٥٠٣.

. النهايه فى مجرد الفقه و الفتاوى، سلسله النبايع الفقيهيه، ج ٩، ص ٤٩.

. المختصر النافع، سلسله النبايع الفقيهيه، ج ٩، ص ٢٢٥.

. قواعد الاحكام، سلسله النبايع الفقيهيه، ج ٩، ص ٢٤٤.

. الكافى فى الفقه، سلسله النبايع الفقيهيه، ج ٩، ص ٣١.

. دروس، ج ٢، ص ٣٠.

. شرايع الاسلام، ج ١-٤، ص ٩٦٦.

. کشف الغطاء، ج ۴، ص ۲۸۸ - ۲۹۰.

. المغنی، ج ۹، ص ۱۶۴.

. در پیشوا و امام عدالت شرط نیست، بلکه با هر امامی چه عادل و چه فاجر می تواند جهاد نمود؛ هرچند مرتکب مناهی چون می خوارگی، خیانت و اختلاس باشد، ر.ک: الجهاد و السیر من فتح الباری، ص ۸۸ و ۱۶۵.

. المغنی، ج ۹، ص ۱۶۳.

. همان، ص ۱۷۴.

. بدآیة المجتهد ونهأیة المقتصد، ج ۱، ص ۳۰۷.

. المحلی، ج ۷، ص ۲۹۱.

. آثار الحرب فی الفقه الاسلامی، ص ۸۴.

. بقره (۲): ۱۹۰.

. مثلاً در جایی که هیچ گونه جنگ و تجاوزی نیست، به سفارت یک کشور و مانند آن حمله نمود.

. ر.ک: تحریر الوسیله (ترجمه فارسی)، ج ۱، ص ۵۵۱، مسأله ۱ و ۲.

. حج (۲۲): ۴۰.

. بقره (۲): ۲۴۶.

. فقه زندگی، ص ۱۳۴. به همین جهت در نشریه العهد ارگان حزب الله لبنان، شرایطی را برای عملیات استشهادی - از جمله داشتن مجوز شرعی - ضروری می دانند، ر.ک: پاره‌های پولاد، ص ۱۲۷، ۱۵۸.

. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۷۳.

. بقره (۲): ۲۰۷.

. مجمع البیان، ج ۱ - ۲، ص ۳۹۰.

. همان.

. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۷۸.

. همان، ص ۷۹.

. توبه (۹): ۱۱۱.

. از جمله: المیزان، ج ۲، ص ۱۰؛ تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۷۹؛ تفسیر المنیر، ج ۲، ص ۱۹۰.

. ر.ک: الجامع لاحکام القرآن، ج ۳، ص ۲۱.

. تفسیر المنیر، ج ۲، ص ۱۹۰.

. فصلت (۴۱): ۳۰.

. مجمع البیان، ج ۹ - ۱۰، ص ۱۷.

- . تفسير القرآن العظيم، ج ٤، ص ١٠٦.
- . تفسير المنير، ج ٢، ص ١٩٠.
- . ر.ك: مجمع البيان، ص ١١٠.
- . تفسير المنير، ج ٢، ص ١٩١.
- . نساء (٤): ١٤١.
- . تفسير نمونه، ج ٤، ص ١٧٥.
- . آل عمران (٣): ١٣٩.
- . الميزان، ج ٤، ص ٤٠.
- . منافقون (٦٣): ٨.
- . في ظلال القرآن، ج ١، ص ٤٨٠.
- . موسوعه كلمات امام حسين(ع)، ص ٤٢٥.
- . صحيفه امام، ج ١٣، ص ٢٤٩ - ٢٥٠.
- . همنان، ج ٢٠، ص ٣١٨.
- . القاموس المحيط، مادة «نحر».
- . الجامع لاحكام القرآن، ج ٥، ص ١٥٧.
- . نساء (٤): ٢٩.
- . تفسير نمونه، ج ٣، ص ٣٥٦؛ مجمع البيان، ج ٢، ص ٨١ - ٨٢؛ تفسير المراغي، ج ٢، ص ١٩.
- . مجمع البيان، ج ٢، ص ٨١ - ٨٢.
- . تفسير المراغي، ج ٢، ص ١٩.
- . نساء (٤): ٣٠.
- . بقره (٢): ١٩٥.
- . ر.ك: الميزان، ج ٢، ص ٦٤.
- . من لايحضره الفقيه، ج ٤، ص ٩٥؛ وسائل الشيعه، ج ٢٩، ص ٢٤، ح ١.
- . روايات آن قبلاً گذشت، ر.ك: من لايحضره الفقيه، ج ٤، ص ٩٥، ح ٥١٦٣.
- . ر.ك: وسائل الشيعه، ج ١٥، ص ٦٤ - ٦٥.

[www.balagh.net / Persian / feqh / fogaha](http://www.balagh.net/Persian/feqh/fogaha) .

[www.Lankarani.org / persian / Ahkam / new-estefta.html](http://www.Lankarani.org/persian/Ahkam/new-estefta.html) .

. ر.ک: بزهکاری بین المللی، ص ۱۲۰. این تعریف سازمان ملل از تروریسم است که در قطعنامه ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسیده است.

گستره و جوب دفاع از نگاه فقیهان شیعی

گستره و جوب دفاع از نگاه فقیهان شیعی عبدالقادر محمدی

چکیده دفاع، به طور فطری در وجود موجودات جاندار نهفته است و در فقه شیعه نیز این مسأله تحت عناوین مختلف مورد بحث قرار گرفته و فقیهان شیعی با تعابیر دقیق از آن سخن گفته اند. آراء فقیهان را می توان به دو دوره پیشین و معاصر تقسیم کرد. آراء فقیهان پیشین معمولاً در دو حوزه «وجوب دفاع عام» (دفاع از سرزمین و مسلمانان) و «وجوب دفاع خاص» (دفاع از جان، ناموس و مال) خلاصه می شوند. آنها شروط جهاد ابتدایی را در دفاع عام شرط ندانسته اند، بلکه دفاع عام را بر همه مسلمانان حتی زنان، مریضان و... نیز واجب شمرده اند. اما مفهوم دفاع نزد فقیهان معاصر تحول یافته و دامنه آن گسترش پیدا کرده است. به طوری که آنان مفهوم دفاع و تجاوز را توسعه داده و قائلند که مسلمانان در برابر هر نوع تجاوز و نفوذ دشمنان (اعم از نفوذ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی) باید دفاع نمایند، حتی قائلند اگر کارمند دولت سبب نفوذ دشمنان گردد، از مقام خود منعزل است و مسلمانان باید او را مجازات نمایند. بر اساس نظریه توسعه و جوب دفاع، دفاع از سرزمین های اشغالی مسلمانان، از جمله فلسطین، بر همه مسلمانان واجب است که با کمک مالی نیز می توان این واجب

را به جا آورد. دفاع از دیگر مسلمانان تحت سلطه نیز واجب است که در حد توان باید به آن اقدام نمود. دفاع از کشورهای اسلامی مورد تحریم که توسط کفار صورت گرفته و می گیرد، نیز واجب می باشد، و مسلمانان با تأسیس صندوق حمایت مالی می توانند آن را بی اثر و خنثی سازند. همکاری دانشمندان مسلمان با کشورهای تحریم شده در زمینه های تسلیحات و غیره نیز واجب بوده و به عنوان انجام تکلیف باید همکاری نمایند. واژگان کلیدی: وجوب دفاع، دفاع عام مشروع، دفاع خاص مشروع، تجاوز، تناسب دفاع. فصل اول: دفاع عام مشروع موضوع دفاع یکی از مباحث مهمی است که به طور فطری در وجود موجودات جاندار نهفته است. در این میان دفاع نزد انسان که رشد یافته ترین آنها است از آغاز تاریخ بشر وجود داشته و همراه با گذشت زمان متحول گشته و دامنه آن گسترش یافته است. در فقه شیعه نیز این مسأله به طور پراکنده و با عناوین گوناگون فقهی مورد بحث قرار گرفته است و فقیهان شیعی با تعابیر دقیق از آن سخن گفته اند. آراء آنان را به دو دوره گذشته و معاصر می توان تقسیم نمود. فقیهان گذشته اغلب در دو کتاب جهاد و حدود، از «وجوب دفاع عام و دفاع خاص» بحث نموده اند، هرچند تحت عناوین دفاع عام - که به معنای دفاع از سرزمین، مسلمانان و مال آنان است - و دفاع خاص - یعنی دفاع از جان، ناموس و مال خود - در فقه نیامده است، ولی عناوین مذکور از عبارات فقیهان قابل استخراج است؛ زیرا با دقت در متون فقهی می یابیم که «دفاع عام» در بحث دفاع از کشور اسلامی و مسلمانان، با عنوان «وجوب دفاع بر عموم مردم» مطرح شده است و دفاع خاص از مباحث دفاع از جان، ناموس و مال به دست

می آید. واژه «شروع» نیز در دفاع معمولاً در متون فقهی به چشم نمی خورد، ولی چون فرضیه دفاع از سوی شارع بوده و ریشه در شرع دارد می توان دفاع را با پسوند «مشروع»، «دفاع مشروع» نام نهاد. نوشتار حاضر وجوب دفاع را از نگاه فقیهان شیعی در دو فصل، «وجوب دفاع عام مشروع»، و «وجوب دفاع خاص مشروع» بررسی نموده است سپس در فصل سوم با بحث از وجوب تناسب عمل دفاعی که لازمه دفاع (دفاع خاص) به شمار می آید به پایان برده است. تعریف دفاع عام مشروع دفاع در لغت: دفع و دور کردن دشمن است. [۱] (اعم از اینکه مهاجم حیوان یا انسان باشد) دفاع در اصطلاح فقیهان: هر چند فقیهان تعریف مشخصی از دفاع ارائه نکرده اند، ولی با توجه به متون فقهی می توان تعریف معینی از آن بدین صورت ارائه نمود: «دفاع، جنگ با کفار (و هر متجاوز دیگری) که می خواهند به سرزمین اسلامی یا مسلمانان حمله کنند و احتمال تسلط یافتن شان بر اساس اسلام، اجتماع، ناموس و مال مسلمانان باشد. [۲] در تعریفی که ذکر گردید، تنها از جنبه دفاع نظامی بحث شده و از دفاع سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دشمن چیزی بیان نشده است. تعریف جامع از دفاع مشروع: بنابراین، تعریف جامع تری از دفاع که شامل تعابیر فقیهان معاصر نیز باشد، می توان این گونه ارائه نمود: «جنگیدن با کفار و هر متجاوز

دیگر به هر وسیله ممکن به قصد دفاع از کشور اسلامی، مسلمانان، ناموس و مال آنها، هرگاه که کشور اسلامی، یا مسلمانان، مورد تعرض نظامی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی

و اقتصادی قرار گیرند و نیز با علم و گمان به تجاوز دشمن در ابعاد مختلف، دفاع پیشگیرانه واجب است. آراء فقهاالف. آراء فقیهان گذشته فقیهان گذشته شیعی دفاع را در دو مورد واجب دانسته اند: ۱. دفاع عام: بر ضد تهاجم دشمن به سرزمین اسلامی و مسلمانان؛ ۲. و دفاع خاص (دفاع از جان، ناموس و مال). ایشان شروط و وجوب جهاد ابتدایی را در جهاد دفاعی لازم نمی دانند. شهید اول و ثانی از فقیهان قرن هشتم، نخست جهاد را به چهار قسم تقسیم نموده اند: ۱. جهاد ابتدایی با مشرکین؛ ۲. جهاد دفاعی در برابر متجاوزان به سرزمین اسلامی، مسلمانان (دفاع عام مشروع)؛ ۳. جهاد دفاعی در برابر مهاجم به نفس، مال و ناموس (دفاع خاص مشروع)؛ ۴. جهاد بر ضد بغات (نافرمانانی که بر ضد پیشوایان معصوم دین قیام نمایند) مانند خوارج. آن گاه از میان چهار قسم مزبور به بحث از دفاع عام مشروع؛ یعنی دفاع از سرزمین اسلامی، مسلمانان و شؤون آن ها پرداخته است؛ جهاد من یدهم علی المسلمین من الکفار بحیث یخافون استیلاهم علی بلادهم وأخذ مالهم وما أشبهه وان قل... یخشی منه علی بیضة الإسلام... فیجب الدفع علی القادر سواء الذکر والأُنثی والسلیم والأعمی والمریض والعبد وغیرهم؛ [۳] جهاد دفاعی با جمعیت کفار که می خواهند به مسلمانان حمله کنند، و بیم از تسلط آنان بر شهرهای مسلمانان، و گرفتن اموالشان هر چند مال کم باشد، که (از تسلط آنان) ترس نابودی اسلام در میان باشد، [در چنین وضعیتی] جهاد دفاعی بر هر که قدرت بر دفاع داشته باشد، واجب است. اعم از مرد، زن، سالم، کور، مریض، عبد و غیر آنان. با توجه به تبیین مذکور از دفاع عام، وجوب آن بر همگان دانسته شد، لذا «دفاع عام مشروع» از این جا و از تعبیر دیگر فقیهان استخراج می شود. فقیه ژرف اندیش دیگر شیعی، دفاع از کشور اسلامی مورد هجوم را بر همه کشورهای اسلامی و مسلمانان واجب دانسته، حتی کوچ نمودن و به پا خاستن مسلمانان دور از کفار را در صورت نیاز به سوی ناحیه هجوم دشمن واجب شمرده است. فإن خیف علی بعض بلاد الإسلام من بعض الکفار أو المحاربین، وجب علی أهل کل إقليم، قتال من یلیهم ودفعه... وعلی قطن البلاد النائیه عن مجاوره دار الکفر أو الحرب التفور إلی أقرب ثغورهم بشرط الحاجه إلی نصرتهم...؛ [۴] پس اگر از کفار و (دیگر) جنگ جویان، بیم تجاوز به برخی از کشورهای اسلامی باشد، بر همه کشورهای اسلامی (مسلمانان) واجب است که با آنان نبرد نموده و (متجاوزان را) از کشوری که مورد تعرض قرار گرفته است دور نمایند. و در صورت نیاز، ساکنین کشورهای اسلامی، که از کشور کفر، یا جنگ دور هستند، به نزدیک ترین مکان مسلمانان (مورد هجوم) که بیم تجاوز دشمن از آن ناحیه است کوچ نمایند. فرق اساسی که از آرای مذکور تاکنون به دست آمد، این است که: تبیین دوم از دفاع مشروع، آن را بر همه مسلمانان جهان واجب می دانست، در حالی که در تبیین اول، دفاع عام را تنها بر افراد کشوری که مورد هجوم دشمن بود، واجب می شمرد. برخی دیگر از اهمیت دفاع مشروع به تفصیل سخن گفته و ممنوعیت عبد را از شرکت در جهاد دفاعی برمی دارند، البته مشروط بر اینکه در نبرد با متجاوزان نیازی به او باشد.

وجب علی کل ذی قوه قتالهم حتی العبد... وانحلّ الحجر علی العبد مع الحاجه إلیه؛ [۵] [در دفاع عام] کشتار، متجاوزان بر هر که قدرت دارد واجب است، از جمله عبد (بنده) و ممنوعیت او (از شرکت کردن در جهاد دفاعی) برداشته شده است؛ مشروط بر این که به کمک او نیازی باشد. فقیهان معروف دیگر شیعی مانند قاضی ابن براج، [۶] ابن زهره [۷] ابن حمزه، [۸] نظام الدین، [۹] محمد بن ادریس، [۱۰] نجم الدین محقق حلی، [۱۱] بجلي هذلی [۱۲] و علامه حلی در کتاب های متعدد خویش [۱۳] و علاء الدین حلبی [۱۴] با تعبیرهای دقیق و شبیه هم، از وجوب دفاع عام مشروع سخن گفته اند، ولی باید توجه داشت که در بعضی از تعبیرهای این فقیهان جمله های (یخاف منه) ترس از دشمن و (یخشی بواره) بیم از تسلط یافتن دشمن، به کار رفته است و بیانگر وجوب دفاع عام بر عموم مردم مشروط به ترس از سلطه متجاوزان می باشد. به نظر می رسد، شرط مذکور در دفاع لازم نیست؛ زیرا لازمه هجوم دشمنان، اشغال کشور مورد نظرشان و نابودی آن است. مثلاً اگر دشمنان دین و جان مسلمانان به مرز کشوری حمله نمایند و مرز اسلامی را به دست بگیرند، لازمه آن تسلط یافتن بر آن کشور است؛ هر چند در دوره های دور و آینده، به کشور اسلامی یورش ببرند. بنابراین، بدون احتمال ترس از سلطه متجاوزان واجب است به دفاع بپردازند. آراء فقیهان معاصر فقیهان گذشته معمولاً دایره دفاع را در دفاع از سرزمین اسلامی، مسلمانان، ناموس و مال محدود می کردند، اما با پیشرفت جهان امروز، راه های نفوذ دشمنان برای ضربه زدن به پیکره آن نیز گستره بیش تری به خود گرفته است. بنابراین سؤال این است که: آیا دفاع تنها با جنگیدن در برابر متجاوزان به سرزمین اسلامی کافی است؟ در ابعاد دیگر، مانند سلطه دشمنان بر اقتصاد اسلامی، نفوذ در فرهنگ و سلطه سیاسی و... نیز آیا دفاع واجب است یا خیر؟ در این قسمت، آراء فقیهان معاصر - به منظور پاسخ گویی به سؤالات مذکور - مورد بررسی قرار گرفته است تا به جواب قانع کننده ای دست یابیم. فقیهان معاصر شیعی اضافه بر آن که قائل بر وجوب دفاع، در دو حوزه دفاع عام مشروع و دفاع خاص مشروع بودند، مصداق دفاع را توسعه داده و معتقدند که مسلمانان در برابر هر نوع تجاوز و

نفوذ دشمنان (اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی) باید دفاع کنند؛ زیرا در هر صورت نفوذ دشمن به منظور نابودی، یا ناکارایی و ضعف نظام اسلامی است. گستره و جوب دفاع عام مشروع در اندیشه امام خمینی رحمه الله امام خمینی یکی از فقیهان ژرف اندیش معاصر است که در عصر ما نظیر ایشان را نمی بینیم، ولی با آگاهی کامل از اوضاع جهان اسلام و توطئه های گوناگون دشمنان، برای مفهوم دفاع، گستره بیش تری قائل شده اند و علاوه بر دفاع از کشور اسلامی، مسلمانان، ناموس و مال، در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... نیز وجوب دفاع عام مشروع را توسعه داده اند. وی تنها به بحث از تجاوز نظامی دشمن بسنده نکرده، بلکه هر نوع سلطه و نفوذ دشمن را از مصادیق تجاوز به حریم اسلام می داند.

بنابراین، دفاع عام مشروع از دیدگاه این فقیه بزرگ اسلامی، به چهار نوع تقسیم می گردد: الف. دفاع سیاسی امام خمینی رحمه الله در زمینه دفاع سیاسی موضع آشکار دارد، در واقع فرمایش او هشدار است برای بیدار شدن مسلمانان و مستضعفان که در برابر ترفندهای سیاسی به دفاع بپردازند؛ به این معنا که بر ضد ترفندها و تشکیلات سیاسی - که به دست دشمنان اسلام ساخته شده اند - به دفاع از فرهنگ اسلامی، سیاست اسلامی و... بپردازند؛ زیرا که مهم ترین تهاجم دشمن که می تواند حکومت اسلامی را به انزوای سیاسی و کاهش اعتبار جهانی بکشاند، از طریق نفوذ سیاسی، با استفاده از سازمان ها و قوانین بین المللی (ساخته خودشان) است. امام خمینی رحمه الله سازمان های سیاسی را ساخته و پرداخته دشمنان اسلام می داند، و معتقد است که: با دست جنایت کار آنها این سازمان ها درست شده است، آنها تمام حیثیت و انسانیت بشر را از بین می برند. [۱۵] این جانب مکرر گفته ام که تمام این سازمان ها و گروه ها برای طرفداری از قدرتمندان به وجود آمده است، و این جمعیت ها به دست قدرتمندان برای سلطه بر ضعیفان و مکیدن خون محرومان جهان به وجود آمده است. [۱۶] ایشان در خصوص «حق و تو» نیز موضع آشکار دارند و آن را بی اساس می دانند؛ زیرا اساس سازمان های سیاسی به دست خود دشمنان اسلام ساخته شده است و چگونه می تواند مصوبه ها و تصمیمات آنها اعتبار حقوقی داشته باشد؟! به چه مناسبت، باید یک کشوری یا چند کشور قدر حق و تو داشته باشند؟

این را هم از اول خودشان درست کرده اند و این را هم درست کرده اند برای بازی دادن ملت های کوچک، مستضعفین جهان. [۱۷] با توجه به آنچه گفته شد موضع گیری به موقع، مناسب، متحد و یکپارچه سیاست مداران جهان اسلام بر ضد توطئه های دشمنان از یک طرف و اطلاع رسانی و آگاه ساختن ملت ها از سوی دیگر، مناسب ترین دفاع از قلمرو سیاسی اسلامی محسوب می شود. ب. دفاع فرهنگی - اجتماعی بدون تردید یکی از مسائل مهم دیگر که امام خمینی رحمه الله توجه جدی به آن داشته است، جریان تهاجم فرهنگی کفار می باشد؛ زیرا نفوذ در نظام فرهنگی، آموزشی از مهم ترین مقدمه های سلطه آنان در ابعاد دیگر است، که دشمنان اسلام در کشورهای بحران زده (افغانستان و عراق و...) از این راه نیز مشغول فعالیت می باشند. بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است، اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می دهد، و با انحراف فرهنگ، هر چند جامعه در بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی، قدرتمند و قوی باشد، ولی پوچ و پوک و میان تهی است... ساده اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر یا یکی از آنها امکان پذیر است. [۱۸] با توجه به رهنمودهای امام راحل رحمه الله در دفاع از استقلال فرهنگ که زیربناست باید قشر فرهنگی (عالمان دین، معلمان و دیگر مسئولان) مواد درسی اصلاح شده و منظم و اطلاع رسانی شفاف ارائه دهند.

ج. دفاع اقتصادی اقتصاد از آغاز زندگی بشر تاکنون اساس و زیربنای زندگی به حساب می آید از این رو یکی از راه های سلطه دشمنان اسلام به دست گرفتن کلید منابع اقتصادی کشورهای جهان سوم و اسلامی است، دشمنان اسلام با شگردهای مختلف سعی دارند اقتصاد اسلامی را ضعیف نمایند؛ از این رو امام خمینی رحمه الله کارشناسان جهان اسلام را به برنامه ریزی دقیق و طرح های کارآمد فراخوانده است: عملاً بردگی جدیدی به همه ملت ها تحمیل شده و اکثریت جوامع بشری در زندگی روزمره خود به اربابان زر و زور پیوند خورده اند و حق تصمیم گیری در مسائل اقتصاد جهان از آنان سلب شده است و علی رغم منابع سرشار طبیعت و سرزمین های حاصل خیز جهان و آب ها و دریاها و جنگل ها و ذخایر، به فقر و درماندگی گرفتار آمده اند... که این به عهده علمای اسلام و محققین و کارشناسان اسلامی است که... طرح ها و برنامه های سازنده و دربرگیرنده منافع محرومین و پابرنه ها را ارائه دهند و جهان مستضعفین و مسلمین را از تنگنا و فقر معیشت به در آورند. [۱۹] امام خمینی رحمه الله در دفاع از استیلا سیاسی و اقتصادی مسلمانان در کتب فقهی خویش نیز به تفصیل سخن گفته و یکی از راه های دفاع از این مهم را قطع رابطه سیاسی و تجاری با آنان می داند. اگر مسلمانان به ارشادهای وی توجه می کردند، امروزه کفار بر اقتصادشان چیره نمی گشت. لو خیف علی حوزه الإسلام من الاستیلاء السیاسی والاقتصادی، المنجر إلی أصرهم

السیاسی والاقتصادی و وهن الإسلام والمسلمین وضعفهم، یجب الدفاع بالوسائل المشابهة والمقاومات المنفیة، کترک شراء أمتعتهم وترک استعمالها،

وترک المرادة والمعاملة معهم مطلقاً؛ [۲۰] اگر بر قلمرو اسلام از استیلای سیاسی و اقتصادی که منجر به اسارت سیاسی و اقتصادی مسلمین و موهون شدن اسلام و مسلمین و ضعیف شدن آن ها می شود، ترس باشد، با وسیله های مشابه و مقاومت های منفی، دفاع واجب است؛ مانند نخریدن کالاهای آنان و ترک استفاده از آن، و ترک رابطه و معامله با آنان به طور مطلق. آری، قطع رابطه تجاری و سیاسی از یک سو، و تصمیم قاطع و به پا خاستن عالمان دین با فتوای دینی خویش از سوی دیگر، کارسازترین سپر دفاعی از ورود اجناس دشمن به بازار مسلمین و خارج شدن سرمایه نقدی از دست مسلمانان محسوب می گردد. دفاع نظامی هرگاه تهاجمات مذکور نتیجه ندهند، دشمن در فرصت مناسب تهاجم خود را با یورش نظامی آغاز خواهد نمود تا آخرین ضربه خود را بر پیکر اسلام وارد سازد. در خصوص دفاع از تجاوز نظامی دشمن نیز امام خمینی رحمه الله اضافه بر فتوای «وجوب دفاع عام مشروع» از کشور اسلامی، اندیشه دفاعی خاصی داشته و قائل به تعقیب دشمن متجاوز می باشد: لو غشی بلاد المسلمین أو ثغورها عدو یخشی منه علی بیضة الإسلام ومجتمعهم یجب علیهم الدفاع عنها بأیة وسیلة ممکنة من بذل الأموال والنفس... علی کلّ مکلف بأیة وسیلة. بلاقید و شرط؛ [۲۱] اگر دشمنی که از او بر اساس اسلام و اجتماع مسلمین ترس باشد، بلاد مسلمین و یا مرزهای آن را مورد هجوم قرار دهد بر مسلمان ها واجب است که از آن به هر وسیله ای که ممکن است با بذل مال و جان دفاع نمایند... بر هر مکلفی بدون هیچ قید و شرطی واجب است به هر وسیله ای که باشد، دفاع نماید.

وجوب دفاع عام مشروع، مشروط به «ترس» یا «بیم» از تسلط دشمنان بر کشور یا مرز اسلامی، در سخنان اغلب فقیهان قابل توجه می باشد و در فتوای امام خمینی رحمه الله نیز این مطلب با واژه «یخشی» بیان شده است. همان گونه که قبلاً اشاره نمودیم، ایشان دفاع را بزرگ ترین عبادت دانسته و قائل به تعقیب متجاوزان است، و حفظ سرزمین اسلامی را نسبت به احکام در اولویت می داند؛ به دلیل این که اساس نظام اسلامی باید باشد تا احکام آن اجرا گردد... اساس اسلام اول است، دنبال او اساس احکام اسلام است... واجب است که دفاع کنند، هر کس به اندازه ای که تواند باید دفاع بکند، و این دفاع را باید تعقیب بکنیم. [۲۲] تعقیب دفاع در سخن امام خمینی رحمه الله نکته مهمی است که دیگر فقیهان به آن توجه نداشته اند و به معنای دنبال نمودن متجاوزان تا کانون اصلی شان می باشد که در واقع با تعقیب آنان جنگ به کشور متجاوزان کشانده می شود و در صورت دوام جنگ خسارات وارده بر کشورشان خود مهم ترین ضربه بر پیکر دشمن است که دیگر هرگز چشم به تجاوزگری و غارت نخواهند گشود. آراء دیگر فقیهان معاصر دیگر فقیهان معاصر نیز با توجه به توطئه های دشمنان اسلام، قائل به گستره دفاع می باشند که از «وجوب دفاع عام مشروع» گرفته تا دفاع از قلمرو سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر ضد سلطه آنان بحث نموده اند که در این جا به ذکر نمونه هایی از فتاوی آنها در سه حوزه ذیل بسنده می کنیم: الف. دفاع نظامی نکته قابل توجه در فتاوی این فقیهان این است که آنها قریب به اتفاق دفاع از سرزمین اسلامی (دفاع عام مشروع) را بر همه مسلمانان واجب می دانند؛ در حالی که فقیهان گذشته تنها برخی بر این مسأله قائل بودند و اغلب دفاع عمومی را بر مسلمانان کشور مورد هجوم دشمن واجب می دانستند. اگر دشمن به بلاد مسلمانان و سرحدات آن هجوم نماید، واجب است بر جمیع مسلمانان دفاع از آن به هر وسیله ای که امکان داشته باشد، از بذل مال و جان. [۲۳] ب. دفاع سیاسی در خصوص دفاع از قلمرو سیاست اسلامی نیز فقیهان معاصر به وضوح فتوا داده اند و در صورت استیلای اجانب بر فضای سیاسی ممالک اسلامی، مسلمانان را ملزم می دانند که دولت هایشان را مجبور به قطع رابطه نمایند. اگر در روابط سیاسی بین دولت های اسلامی و دول اجانب، خوف آن باشد که اجانب بر ممالک اسلامی تسلط پیدا کند، اگرچه تسلط سیاسی و اقتصادی باشد، لازم است بر مسلمانان که با این نحو روابط مخالفت کنند و دول اسلامی را الزام کنند به قطع این گونه روابط. [۲۴] ج. دفاع اقتصادی در زمینه دفاع از اقتصاد اسلامی در صورت خسارت و آسیب دیدن آن، فقیهان معاصر اضافه به حرمت چنین تجارتی، قائل به عزل و مجازات مسئولان ذیربط می باشند. اگر در روابط تجاری با اجانب خوف آن است که به بازار مسلمین صدمه اقتصادی وارد شود واجب است قطع این گونه روابط و حرام است این نحو تجارت، اگر بعضی رؤسای ممالک اسلامی با بعضی وکلای مجلسین موجب بسط نفوذ اجانب شوند، چه نفوذ سیاسی، اقتصادی، نظامی... از مقامی که دارد - هر مقامی که باشد - منعزل است و بر مسلمانان است که او را مجازات کنند. [۲۵] و وجوب دفاع از فلسطین و دیگر مسلمانان تحت سلطه کفار و متجاوزان با توجه به آنچه در مورد وجوب دفاع مشروع گفتیم که فقیهان معاصر قائل به توسعه آن بودند، و بر ضد هر نوع تجاوز دشمنان اسلام مسلمانان را ملزم به دفاع می دانستند، اکنون این سؤال مطرح می گردد که: آیا دفاع از فلسطین اشغالی واجب است یا خیر؟ دفاع از دیگر مسلمانان تحت سلطه متجاوزان (مانند امریکا و متحدانش) چگونه؟ بر اساس فتاوی فقیهان قائل به توسعه وجوب دفاع، پاسخ مثبت است، یعنی هر کاری که به نفع مسلمانان مورد تعرض

دشمن، تمام گردد، دفاع محسوب می شود. بنابراین، تنها جنگ با اسرائیل دفاع نیست، بلکه هر نوع حمایت مالی، سیاسی از فلسطین، حتی تظاهرات ها و... برای اعلام نفرت از اسرائیل، مصداق دفاع از فلسطین می باشد. همچنین دفاع از دیگر مسلمانان تحت سلطه دشمنان اسلام واجب است که در صورت امکان باید به آن اقدام نمایند، و حداقل آن با افشای توطئه های کفار نسبت به مسلمین امکان پذیر است. چگونگی دفاع از کشورهای اسلامی مورد تحریم دشمنان اسلام مسأله ای که امروزه همه فراموش نموده ایم، دفاع از کشورهای اسلامی مورد تحریم کفار است. آیا در این زمینه نیز دفاع واجب است و چگونه؟ بر اساس آرای فقیهان معاصر شیعی (که قائل به توسعه و جوب دفاع بودند)، بر همه مسلمانان لازم است از کشورهای اسلامی که توسط کفار تحریم می شوند دفاع نمایند.

دفاع در زمینه تحریم های اقتصادی را می توان با تأسیس صندوق کمک مالی بی اثر خنثی نمود. تحریم های دیگر مانند تسلیحات و غیره را نیز با همکاری دانشمندان جهان اسلام می توان درهم شکست. بنابراین، دفاع از ایران اسلامی که هر روز با تحریم و فشارهای بیش تر کفار روبه رو است، طبق نظریه توسعه و جوب دفاع، بر همه مسلمانان واجب است. البته نباید فراموش کرد که نقش عالمان دین و سران مذاهب اسلامی برای آگاه ساختن و اتحاد جهان اسلام مقدمه تحقق این نوع دفاع ها محسوب می گردد، که متأسفانه هنوز هم شاهد حرکت جدی در این خصوص نیستیم؛ زیرا تا جهان اسلام به طور دقیق از نقشه های شوم دشمنان کینه توز اسلام آگاه نگردند، به یاری یکدیگر نخواهند شتافت. فصل دوم: دفاع خاص مشروع مقدمه: لازم است نخست تعریفی از آن ارائه نماییم، آن گاه به بحث از آرای فقیهان در این خصوص بپردازیم. تعریف دفاع خاص مشروع جنگیدن با هر متجاوزی برای حفظ جان، ناموس و مال خود و دیگران، با رعایت مراتب دفاع از آسان ترین گرفته تا شدیدترین آن. آراء فقهاالف. آراء فقیهان گذشته همان طور که از عنوان فصل پیدا است، دفاع خاص بر عموم مردم واجب نیست، بلکه بر شخص یا اشخاصی که جان، ناموس و یا مالشان - مال خود یا دیگران - در معرض خطر تهاجم است، واجب است. وجوب دفاع خاص مشروع، از نگاه فقیهان گذشته در سه مورد بیان شده است: ۱. دفاع از جان (خود و دیگران)؛ ۲. دفاع از ناموس (خود و دیگران)؛ ۳. دفاع از مال (خود و دیگران). اختلاف نظرهایی نیز در این زمینه وجود دارد، اما آن چه مورد توافق همگان می باشد، وجوب دفاع از جان خود مدافع است و وجوب دفاع از ناموس، و مال (اعم از خود یا دیگران) را اغلب فقیهان معمولاً مشروط به ضرر نرسیدن و سلامت مدافع می دانند. شهید ثانی از جمله فقهایی است که وجوب دفاع خاص مشروع را در مورد «جان مدافع» بدون قید و شرط واجب می داند. قد یجب المحاربة علی وجه للدفع کأن یكون بین أهل الحرب... یخشی منه علی نفسه... کذا کلّ من خشی علی نفسه مطلقاً؛ [۲۶] گاهی جنگ به عنوان دفاع واجب است، مثل این که در (میدان) جنگ باشد، و از دشمن بیم بر جان خود دارد، و همچنین است هر کسی که ترس بر جان خود دارد، چه گمان بر سالم ماندن خود داشته باشد یا نداشته باشد. ایشان دفاع خاص را تنها از جان واجب شمرده است. اما برخی از فقیهان دیگر، مانند علامه حلی، دفاع خاص را از جان و ناموس بدون هیچ شرطی واجب دانسته که می توان گفت این نظر بهترین رأی محسوب می شود: یجب الدفاع عن النفس والحريم... فله أن یقاتله؛ [۲۷] دفاع از جان و ناموس واجب است... و مدافع می تواند متجاوز را بکشد. البته در کتاب مشهور لمعه، شهیدین دفاع از جان و ناموس را با شرط گمان به سلامت و ضرر ندیدن مدافع واجب می دانند. و نیز دفاع از دیگران را مقید به این شرط، واجب شمرده است. [۲۸] دیگر فقیهان مانند محقق حلی، [۲۹] ابن ادریس، [۳۰] شیخ طوسی، [۳۱] قاضی عبدالعزیز الطرابلسی [۳۲] و راوندی [۳۳] با تعابیر «جاز للانسان الدفاع» [۳۴] دور نمودن مهاجم جایز است. «وأن یقاتله» [۳۵] یعنی (مدافع) می تواند مهاجم را بکشد، از دفاع خاص سخن گفته اند. باید توجه نمود از تعبیر «جاز» در سخن برخی از این فقیهان وجوب دفاع خاص به دست نمی آید؛ زیرا که تصریح به وجوب نکرده اند، اما از تعبیر «أن یقاتله» اینکه (مهاجم) را بکشد، می توان وجوب دفاع خاص مشروع را استخراج نمود؛ چون کشتن متجاوز هنگامی جایز می شود که دفاع از جان و ناموس را واجب بدانیم. همچنان که در عبارات فقیهان قائل به وجوب دفاع خاص، این مطلب بیان گردید. ارزیابی آرای فقیهان قائل به جواز دفاع خاص مشروع: هر چند فقیهان مذکور تصریح بر وجوب دفاع خاص نکرده اند، ولی وجوب دفاع از جان و ناموس یک ضرورت عقلی می باشد و از باب قاعده ملازمه عقل و شرع، وجوب آن قطع می گردد. همان گونه که بیان شد شهید ثانی دفاع از جان را بدون هیچ شرطی واجب می دانست که با دقت در ملازمه عقلی و شرعی دفاع یعنی لزوم دفع ضرر عقلاً، قطعاً دفاع از جان و ناموس واجب خواهد بود. [۳۶] ب. آراء فقیهان معاصر مقدمه: آرای فقیهان معاصر در زمینه وجوب دفاع خاص مشروع از جان از جدیت بیش تر برخوردار است که برخی با مبانی عقلی آن را اثبات نموده اند و برخی دیگر

وجوب آن را به گونه ای می دانند که نباید در برابر ظالم به هیچ وجهی تسلیم گردید، ولی دفاع از مال را معمولاً جایز می دانند. آری دفاع از جان را می توان امر فطری و لازمه طبیعت هر جاندار دانست که در مقابل خطر از خود دفاع نماید. بنابراین، دفاع نزد انسان اضافه بر فطری بودن آن، از مبانی شرعی نیز برخوردار می باشد. و ریشه فطری بودن آن را عقل نیز تأیید می کند؛ زیرا که دفاع به حکم عقل قطعی

است تا این که منشأ خطر و فساد از نفس و عرض و مال قطع گردد، بلکه لزوم دفاع برای هر موجود ذی شعوری فطری و وجدانی است. امام خمینی رحمه الله نیز دفاع خاص را از جان، ناموس و بستگان بدون هیچ شرطی واجب دانسته و تسلیم شدن را جایز نمی داند. لو هجم علیه لصّ أو غیره فی داره أو غیرها لیقته ظلماً، یجب علیه الدفاعة بأیّ وسیله ممکنه ولو انجرّ إلى قتل المهاجم، ولا یجوز له الاستسلام والانتظام؛ [۳۷] اگر دزد یا غیر دزد بر شخصی در خانه اش یا غیر خانه اش، هجوم آورد تا ظالمانه او را بکشد، بر او واجب است به هر وسیله ممکنه دفاع نماید، ولو این که به قتل مهاجم منجر شود و تسلیم شدن و پذیرفتن ظلم برایش جایز نیست. اما در دفاع از مال ایشان قائل به جواز آن می باشد و دفاع را در این خصوص نیز تا حد مرگ متجاوز شمرده است: لو هجم علی ماله أو مال عیاله جاز له دفعه بأیّ وسیله ممکنه ولو انجرّ إلى قتل المهاجم؛ [۳۸] اگر به مال او یا مال عیالش هجوم آورد، دفع او به هر وسیله ممکنه برایش جایز است؛ ولو اینکه به قتل مهاجم، منتهی شود. بررسی آراء فقیهان معاصر نسبت به وجوب دفاع خاص مشروع: با توجه به آنچه

در زمینه وجوب دفاع خاص گفتیم، به طور کلی در وجوب دفاع خاص مشروع نظریات فقیهان معاصر مانند فقیهان گذشته متفاوت است؛ زیرا که برخی دفاع از جان، ناموس و مال را مشروط به ظن سلامت (مدافع) واجب شمرده اند [۳۹] و برخی دیگر بدون هیچ شرطی، دفاع را در موارد مذکور حتی دفاع از ناموس مسلمان دیگر را نیز واجب می دانند. [۴۰] و در صورت تسلیم شدن، مدافع را گناهکار دانسته و دفاع از جان، ناموس و حتی خادم شخص را در هر حال واجب می شمارند. [۴۱] فصل سوم: وجوب تناسب عمل دفاعی با توجه به آنچه در دو فصل قبل (درباره دفاع عام مشروع و دفاع خاص مشروع) گفته شد، سؤال مطرح می شود که مدافع تا چه میزان می تواند دفاع نماید؟ به عبارت دیگر شدت عمل دفاعی در مقابل متجاوز تا چه حد می تواند مشروع باشد؟ و آیا قبل از هجوم مهاجم می تواند به دفاع از خود پردازد؟ هر چند گفت و گوی در وجوب تناسب عمل دفاعی در زمینه دفاع عام مشروع در آرای فقیهان یافت نشد، بلکه امام خمینی رحمه الله قائل به تعقیب متجاوزان، و ضربه زدن به کانون اصلی آنها می باشد. شاید عدم بحث فقیهان در این خصوص به دلیل این است که تناسب دفاع در برابر دشمنان اسلام باعث استقامت آنان می گردد و دست از هجوم و تجاوزشان بر نمی دارند. بنابراین، در مورد «دفاع عام مشروع» نه تنها تناسب عمل دفاعی شرط نیست، بلکه شدت دفاع بر ضد دشمنان باید بیش تر از عمل تجاوز آنان باشد تا این که مجبور به عقب نشینی و ترک صحنه گردند. لذا آنچه در این فصل تحت عنوان تناسب عمل دفاعی آورده ایم، مربوط به دفاع خاص مشروع می باشد که در این زمینه همه فقیهان

(اعم از گذشته و معاصر) به بحث از وجوب تناسب عمل دفاعی در برابر مهاجم پرداخته اند. البته تعیین تناسب عمل دفاعی مدافع که از عمل متجاوز بیش تر نباشد، کار دشواری است و در بسیاری از موارد ممکن نمی باشد. آراء فقهاء الف. آراء فقیهان گذشته: همه فقیهان با توجه به عدم تعیین «عمل دفاعی» از سوی مدافع با تعابیر «اعتماد»، «مع الامکان والفرصة» و «عدم الخوف من غلبته» از وجوب تناسب عمل دفاعی سخن گفته اند، یعنی مدافع در دفاع از خود متوجه دفاعش باشد که با اعتماد به دفاع آسان تر، به دفاع پردازد. به عبارت دیگر، تناسب عمل دفاعی در صورتی واجب است که مدافع «فرصت و امکان دفاع متناسب» داشته باشد، و ترس از غالب شدن متجاوز متوجه او نباشد. و نیز با علم یا گمان به تجاوز دشمن، مدافع مجاز به دفاع پیشگیرانه است. باید توجه نمود، فقیهان گذشته اتفاق نظر دارند که: «عمل دفاعی از مرحله آسان تر شروع می گردد و در صورت نیاز می تواند شدت بخشد تا جایی که به مرگ مهاجم بینجامد». اکنون برخی از آرای فقیهان گذشته را که قائل به وجوب تناسب عمل دفاعی بوده اند - به عنوان نمونه - یادآور می شویم: متعمداً فی الدفاعة مطلقاً، علی الأسهل فالأسهل... ولا یبدأ إلا مع العلم أو الظن بقصد ولو کفّ، کفّ عنه فإن عاد، عاد؛ [۴۲] در مقام دفاع (از نفس، ناموس، مال) به دفاع آسان تر و سهل اکتفا نماید. (مدافع) نمی تواند نخست به دفاع از خود پردازد، مگر با علم، یا گمان به قصد تهاجم دشمن، اگر مهاجم دست از تجاوزش برداشت و باز ایستاد، (باید) وی را رها نماید و اگر

دوباره برگشت (دفاع) از سر گرفته شود. با دقت در جملات «ولو کفّ، کفّ عنه» و «فإن عاد، عاد» می فهمیم که به مقدار ضعف و شدت عمل متجاوز، تناسب عمل دفاعی مدافع نیز به همان میزان در دفاع از جان شرط است؛ به گونه ای که به مقدار تجاوز مهاجم، مدافع اجازه مقابله و دفاع از جان خویش را دارد، نه بیش از آن. دیگر فقیهان مانند علامه حلی، [۴۳] محقق حلی [۴۴] و شیخ طوسی [۴۵] نیز از وجوب تناسب عمل دفاعی به وضوح بحث نموده اند. علامه حلی در تبصره المتعلمین به وجوب آن تصریح نموده است و در تذکره الفقهاء این مسأله را اجماعی می داند. برخی دیگر تناسب دفاع را جایز می دانند، و بعد از تعریف محارب که قصد گرفتن مال، یا [نابودی] جان کسی را داشته باشد، گفته اند که: اگر دفاع مدافع منجر به کشته شدن محارب گردد، وی ضامن نیست. [۴۶] بررسی اندیشه قائل به جواز تناسب عمل دفاعی: هر چند قائلان به جواز، تصریح به وجوب ندارند، ولی از مفهوم فرمایش آنان وجوب تناسب عمل دفاعی را می توان به دست

آورد؛ زیرا قائلند که اگر عمل دفاع منجر به کشتن متجاوز گردد، مدافع ضامن نیست. مفهوم این سخن این است که در آغاز نباید متجاوز را بکشد، بلکه به دفاع سبک تر بپردازد، و اگر او دست برداشت و دفاع منجر به قتل وی گردید، مدافع ضمانتی ندارد. مؤید این سخن فتوای شیخ طوسی در جای دیگر است که قائل به وجوب تناسب عمل دفاعی می باشد. [۴۷]

بررسی آرای فقیهان گذشته: بنابراین، «وجوب تناسب عمل دفاعی» در اندیشه فقیهان گذشته شیعی امری مسلم است و حتی از مفهوم فرمایش قائلان به جواز نیز وجوب آن قابل استخراج است؛ زیرا که در نهایت آنان نیز کشتن متجاوز را جایز دانسته و مدافع را ضامن نمی دانند، اما در آغاز دفاع اگر مدافع به کشتن محارب مبادرت ورزد، ضامن خواهد بود. آراء فقیهان معاصر: وجوب تناسب عمل دفاعی، در صورت امکان و فرصت (مدافع) و شدت تدریجی بودن آن از جانب وی، نقطه مشترکی است که در آرای همه فقیهان به چشم می خورد. به بیان دیگر، تناسب دفاع مدافع با تهاجم دشمن به لحاظ شدت و ضعف در همه موارد (دفاع از جان، ناموس و مال خود و دیگران) در صورتی واجب است که مدافع فرصت داشته باشد و در غیر این صورت وی مجاز است که با ضربه سنگینی متجاوز را دفع نماید و فقیهان در این مورد اتفاق نظر دارند که به ذکر برخی از آرای فقیهان معاصر - با تلخیص مطالب - بسنده می گردد: «يجب على الأخطأ... للدفاع من الأسهل فالأسهل... وإنما يجب مراعاة الترتيب مع الإمكان والفرصة؛ [۴۸] بنابر احتیاط (واجب) باید از مرتبه پایین تر اقدام به دفاع کند و به مرتبه شدیدتر از آن برسد... مراعات ترتیب در صورتی واجب است که ممکن باشد و فرصت داشته باشد. و به تعبیر دیگر، عمل دفاعی از سوی مدافع واجب است که تدریجی صورت گیرد. [۴۹] نتیجه ۱. وجوب دفاع عام مشروع نزد فقیهان گذشته و معاصر قطعی است. و آنها دفاع از سرزمین، مسلمانان، ناموس و مالشان را واجب می دانند. اعم از این که متجاوزین کافران باشند، یا مسلمانان متجاوز، در هر صورت مقصود آنان سلطه و نابودی مسلمان مورد هجوم است، و متجاوزان اگر مسلمان باشند در حکم محارب بوده و کشتن شان هیچ مانعی ندارد. ۲. با توجه به تعبیر فقیهان در دفاع عام مشروع، با واژه های «غشی» و «خاف» به معنای احاطه و ترس از حمله دشمنان اسلام است یا «دهم» که به معنای حمله دشمن می باشد، از وجوب آن سخن گفته اند، دفاع پیشگیرانه نیز با شرط بیم حمله دشمن واجب است. ۳. بر اساس نظریه توسعه وجوب دفاع، دفاع در ابعاد مختلف (اعم از سرزمین، ناموس، مال، سیاست، فرهنگ، و کشورهای اسلامی مورد تحریم دشمنان اسلام و...) از مسلمانان مورد هجوم دشمنان، بر همه مسلمانان واجب است. ۴. دفاع از جان، ناموس (خود و دیگران) مدافع با علم یا گمان به حمله دشمن مجاز است دفاع پیشگیرانه نماید. ۵. تناسب دفاع، با حمله متجاوز، در صورت امکان و فرصت مدافع، بر وی واجب است، به این معنا که از دفاع سبک شروع نماید و در صورت مقاومت متجاوز، شدت بخشد. ۶. تناسب دفاع بین مدافع و خدا معلوم است و به حسب ظاهر نمی توان آن را تعیین کرد.

کتاب نامه

۱. إيضاح الفوائد، علامه حلی، قم، المطبعة العلمية، ۱۳۸۷. ۲. تبصرة المتعلمين، علامه حلی، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۴۱۱ق. ۳. تحریر الوسیله (ترجمه فارسی)، امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵. ۴. تحریر الوسیله (تک جلدی)، امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵. ۵. تذکره الفقهاء، علامه حلی، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث. ۶. توضیح المسائل مراجع (فتاوی ۱۲ نفر از مراجع)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸. ۷. جامع المسائل، آیت الله العظمی بهجت، دفتر معظم له، ۱۳۸۴. ۸. رساله توضیح المسائل (آیت الله العظمی محقق کابلی)، دفتر معظم له. ۹. الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیه، زین الدین الجبعی العاملی (الشهید الثانی)، قم، مؤسسه اسماعیلیان. ۱۰. السرائر، محمد بن ادريس الحلی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی. ۱۱. شرائع الاسلام، محقق حلی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۷۳. ۱۲. صحیفه امام، امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸. فرهنگ بزرگ جامع نوین (ترجمه المنجد)، احمد سیاح، انتشارات اسلام.

۱۴. قواعد الأحكام، علامه حلی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ق. ۱۵. الکافی فی الفقه، ابی الصلاح حلبی، اصفهان، مکتبه الامام امیرالمؤمنین. ۱۶. کفایة الاحکام، محمدباقر سبزواری، انتشارات چاپخانه مهر. ۱۷. مختصر النافع، نجم الدین محقق حلی، المکتبه الاسلامیه الكبرى، ۱۴۰۲ق. ۱۸. المسائل الفقهیه، علامه سید محمدحسین فضل الله، بیروت، دار الملک، ۱۴۲۲ق. ۱۹. مسالک الافهام، زین الدین العاملی (الشهید الثانی)، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۶ق. ۲۰. موسوعه سلسله الینایع الفقهیه، علی اصغر مروراید، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، بیروت. ۲۱. مهذب الاحکام، سید عبدالاعلی سبزواری، دفتر معظم له. فرهنگ جامع نوین، واژه «دفاع».

ر.ک: اللمعة الدمشقیه، کتاب الجهاد.

.الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقيه، ج ١، ص ٢١٦ - ٢١٧.

.الكافي في الفقه، ص ٢٤٦ - ٢٤٧.

.كفاية الاحكام، كتاب جهاد، ص ٧٤.

.سلسلة الينايع الفقيهيه، ج ٩، ص ٨٠.

.همان، ص ١٥١.

.همان، ص ١٥٩.

.همان، ص ١٦٩.

.همان، ص ١٧٥.

.همان، ص ٢٢٥.

.همان، ص ٢٣٣.

.قواعد الاحكام، كتاب الجهاد؛ ايضاح الفوائد، كتاب الجهاد؛ تبصرة المتعلمين، كتاب جهاد، ص ٨٧؛ تذكرة الفقهاء، ج ٩، ص ٢٠.

.سلسلة الينايع الفقيهيه، ج ٩، ص ١٥٩.

.صحيفه امام، ج ١٥، ص ٥٢١.

.همان، ج ١٢، ص ٢٥٨.

.همان، ج ١٥، ص ٥٢٠ - ٥٢١.

.همان، ص ٢٤٣.

.همان، ج ٢٠، ص ٣٣٩ - ٣٤٠.

.تحرير الوسيله، ص ٣٧٨ - ٣٧٩، مسأله ٤.

.همان، ص ٣٧٨، مسأله ١ - ٢.

.صحيفه امام، ج ٢٠، ص ٨٠.

.توضيح المسائل مراجع (١٢ مرجع، مسائل دفاع)، ج ٢، ص ٦٢٤؛ جامع المسائل، ج ٢، ص ٣٦٧؛ رساله هاي محقق كابلبي، جويباري و ديگران (مسائل دفاع).

.توضيح المسائل مراجع، ج ٢، ص ٦٢٥.

.همان.

.مسالك الافهام، ج ٩، ص ٤٣٤.

.قواعد الاحكام، ج ٣، ص ٥٧١.

.الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقيه، ج ٢، ص ٣٩٤.

. سلسلهٔ الینابیع الفقهیه، ج ۹، ص ۲۰۱.

. مختصر النافع، ص ۲۲۶.

. السرائر، ج ۳، ص ۵۰۷.

. سلسلهٔ الینابیع الفقهیه، ج ۹، ص ۵۴.

. همان، ص ۶۳.

. همان، ج ۲۳، ص ۱۷۰.

. همان، ص ۱۹۱.

. مهذب الاحکام، ج ۱۵، ص ۱۰۱.

. تحریر الوسیله، ص ۳۸۰، مسأله ۲.

. همان، مسأله ۵.

. جامع المسائل، ج ۲، ص ۳۶۷.

. ر.ک: تحریر الوسیله (ترجمه فارسی)، ج ۱، ص ۵۵۳، مسأله ۴.

. ر.ک: توضیح المسائل (آیت الله کابلی)، مسأله ۲۱۶۵ - ۲۱۶۶.

. الروضة البهیه فی شرح اللمعة الدمشقیه، ج ۲، ص ۳۹۴.

. تبصرة المتعلمین، ج ۲، ص ۴۲۴؛ تذکرة الفقهاء، ج ۹، ص ۴۳۴؛ قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۵۷۱.

. شرائع الاسلام، ج ۲، ص ۹۶۷.

. المبسوط، ج ۸، ص ۷۵.

. سلسلهٔ الینابیع الفقهیه، ج ۹، ص ۵۴، ۶۳ و ۱۸۴؛ النهایة؛ الجمل والعقود؛ السرائر، کتاب حدود، حد محارب. (با تصرف)

. المبسوط، ج ۸، ص ۷۵.

. تحریر الوسیله، ص ۳۸۰، مسأله ۶.

. مهذب الاحکام، ج ۲۸، ص ۱۶۱؛ المسائل الفقهیه، ج ۲، ص ۳۱۵.

مفهوم و مصداق تروریسم در اسناد و معاهدات بین المللی و دیدگاه امام خمینی

مفهوم و مصداق تروریسم در اسناد و معاهدات بین المللی و دیدگاه امام خمینی رحمه الله حمید (ناظر حسین) زکی

پدیدهٔ تروریسم در گفتمان جدید محصول تحولات و توسعهٔ روابط بین المللی و ابزاری برای ساختارسازی قدرت و رسیدن به اهداف شیطانی اقتدارگرایی است. شناخت مصادیق تروریسم، رابطهٔ نزدیکی با شناخت نظری مفهوم تروریسم دارد و وفاق بر تعریف واحد از تروریسم تا کنون یکی از مشکلات سر راه شناخت مصادیق تروریسم و مبارزه با تروریسم است. با همهٔ اینها برای تروریسم می توان مؤلفه و ویژگی هایی را هم در گفتمان غربی و هم در دیدگاه امام خمینی پیدا کرد که تا حدودی در شناخت ماهیت تروریسم مؤثر و مفید باشد. به طور کلی تروریسم توسل به خشونت و ابزار و شیوه های رعب آور برای رسیدن به اهداف و اغراض خاص سیاسی و فکری است که معمولاً اهداف و اغراض شیطانی با ویژگی طغیانگری است. در دیدگاه امام خمینی رحمه الله اسلام با تروریسم مخالف است و مبارزات رهایی بخش ملت ها

مبارزات مشروعی است که هرگز از مصادیق تروریسم نمی باشد. در نگاه امام خمینی رحمه الله مصادیق تروریسم در قالب تروریسم گروهی، تروریسم دولتی و تروریسم بین المللی ترسیم شده است و امریکا به عنوان تروریسم بالذات در رأس تروریسم جهانی و بین المللی قرار دارد. کلیدواژه ها: ترور، تروریسم، مبارزه مشروع، امام خمینی، بین الملل. مقدمه ظهور تروریسم در عرصه بین الملل و در مطالعات حقوقی و بین المللی محصول تحولات و توسعه روابط بین المللی و رابطه انسان با انسان به سوی ساختار قدرت گرای است. ترور و تروریسم، ابزاری برای ساختارسازی قدرت، و رسیدن به اهداف اقتدارگرای است. تروریسم پدیده ای است با گونه های گوناگون و پیچیده که در هر زمانی به تناسب شرایط زمانی و مکانی، امنیت و آرامش انسان ها را با خطر مواجه کرده است. شناخت مصادیق تروریسم، رابطه نزدیکی با شناخت نظری مفهوم تروریسم دارد که گفتمان های متفاوتی را درباره آن پدید آورده است. سازمان های بین المللی با رویکرد جهان مدرن غربی، با تکیه به دیدگاه اومانستی و خلط میان مبارزه مشروع و نامشروع، نگاه خاص و ادبیات جدیدی را درباره پدیده تروریسم به وجود آورده و نهضت های عدالت خواه و رهایی بخش را تحت الشعاع قرار داده است. در برابر این گفتمان، گفتمان دینی و نگاه انسانی قرار گرفته است که با رویکرد الهی و معنوی و تکیه بر ارزش های فطری و اخلاقی، به حقوق بشر و مبارزه با تروریسم می نگرد، دفاع مشروع و دفاع از حقوق انسان ها را در تعریف و پیکار علیه تروریسم نادیده نمی گیرد. با نگاه سازمان های بین المللی به پدیده تروریسم، و از مطالعه برخورد آنها با این پدیده، به خوبی پیدا است که وفاق جهانی بر تعریف واحد و تکیه بر مصداق بلامنازع، همواره یکی از مشکلات سر راه مبارزه با تروریسم بوده است؛ زیرا سازمان ها و دولت های تروریستی هر یک دیگری را متهم به تروریسم و حمایت از تروریسم می کند. سؤال اصلی در این مقاله این است که از دیدگاه امام خمینی رحمه الله و اسناد و معاهدات بین المللی، مفهوم و مصداق تروریسم چیست؟ و برای وفاق بر تعریف واحد از

تروریسم چه مشکلاتی وجود دارد؟ و آیا می شود درباره مفهوم و مصداق تروریسم به یک وفاق جهانی دست پیدا کرد؟ نگاهی به پیشینه تروریسم ترور، به عنوان یک پدیده ایجاد رعب و هراس، پدیده جدیدی نیست، بلکه ریشه در زندگی گذشته بشر و در تاریخ ساختار قدرت گرای انسان دارد. چنانچه در قرن اول میلادی گروه های تروریستی موسوم به «دشنه داران» در تاریخ شناخته شده اند و هدف آنها برانگیختن شورش یهودیان علیه رومیان بوده است. و نیز مانند گروه اسماعیلیان تزاری از گروه فداییان حسن صباح که به ترور شخصیت های سیاسی دست می زدند. و نظیر فرقه هندوهای «توگ» [۱] که با قتل و روش های تروریستی از قرن سیزدهم میلادی، در دهلی و بنگال فعالیت داشتند. «ترور» که یک واژه لاتینی است سه قرن قبل به معنای ترس و وحشت در اروپا به کار برده شد. و در فرانسه، دوره خاصی از انقلاب کبیر، به دوره ترور و وحشت شهرت یافت، و به قول ژاک دریدا تاریخ سیاسی کلمه «تروریسم» از مراجعه به «تروریسم انقلابی» فرانسوی ناشی شده است و آن درست زمانی بود که دادگاه فرانسه در مدت دو سال نزدیک به سیصد هزار نفر را دستگیر و قریب به چهل هزار نفر را به اعدام محکوم کرد. و در این دوران (۱۷۹۳ - ۱۷۹۴) که وحشت سراسر اروپا را در خود فرو برده بود، دوران «ترور» نام گرفت. تروریسم سیستماتیک و مدرن، با ادبیات و گفتمان جدید، در قرن نوزدهم ظهور کرد. چنان که حزب اراده مردم در روسیه در سال ۱۸۷۹ پرده از اهداف تروریستی خود برداشت. و نیز در سال های ۱۹۶۶ - ۱۹۷۶ در چین، و ۱۹۷۹ - ۱۹۷۶ در کامبوج میلیون ها نفر به قتل رسیدند.